

کردستان

ارگان حزب دموکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

سه‌شنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۱ _ ۶ سپتامبر ۲۰۲۲

شماره ۸۳۰

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال



خالد عزیزی:

هر جا به ما حمله شود

از خود دفاع خواهیم کرد (۴)



مصطفی هجری:

حکم دادگاه می‌کونوس التیامی بر زخم

ترور رهبران شهیدمان بود (۲-۳)

ما پابرجا و رژیم تروریستی جمهوری اسلامی رسوا



روزی دیگر!

دموکرات‌ها، پس از ۱۶ سال مبارزه‌ی مجزا، صفوف خود را متحد ساختند و بار دیگر دموکرات بودن خود را به‌شیوه‌ی متحد و یکپارچه نمایان کردند.

شاید اگر بر اساس آمار حساب کنیم ادغام هزاران تن از اعضا و طرفداران دو جهت متفاوت، تنها ادغام هزاران تن تلقی شود، لیکن اگر به‌لحاظ سیاسی، تاریخی و دورنمای به این روخداد مهم بنگریم، می‌بینیم که وحدت مجدد هزاران تن، به نیرو، قدرت و تأثیرگذاری هزاران هزار تن تبدیل شده‌است. به‌عبارتی دیگر در این اتحاد، آنچه به‌هم پیوسته، صرفاً و تنها ارقامی بیش نیست، بلکه نیرومندی و اقتدار و اراده‌ی ملت کورد و تحکیم صفوف پیکاری یکپارچه و انعکاس آن در سطح میهن، ایران، منطقه و جهان است. نیروی انباشته که با اتحاد به حرکت درمی‌آید و با سازمان‌دهی کانالیزه می‌شود، نیروی صدها کسی را به هزاران و هزاران را به صدها هزار کسی تبدیل می‌کند و پیکار یکجانبه را مبدل به پیکار ملی می‌نماید.

در مورد این روز تاریخی باید متذکر شویم که افتخار بزرگ دیگر این است که در این رویداد دموکرات‌ها خودشان در جریان و روند نشست و مذاکرات این امر و سربلندی را به ثبت رساندند و با درک تاریخی و امروزین از شرایط حساس مبارزه‌ی مشروع مردم کوردستان و الزام میهن به یک دموکرات واحد و نیرومند، گفتگوها را به نتیجه رساندند و امر اتحاد را به امر واقع تبدیل کردند. اتحاد دموکرات‌ها خواست مردمی بود که ضربان قلبشان برای میهن می‌تپید و در همان‌حال این اتحاد انجام وظیفه‌ای بود که رهبران این مبارزه به نتیجه رساندند و شأن و افتخاری بود که دموکرات خودش و با تفاهم درون‌خانواده‌ای بدان دست یازید؛ لذا آتیه‌ای درخشان را برای ملت ما به تصویر کشیده و چشمان ملت کورد بر این روز و این مبارزه دوخته‌شده است. آینده چشم‌انتظار دموکرات است.

در تاریخ ملت کورد روزهای تلخ و سخت و دشوار و به‌دفعات روزهای مملو از فاجعه کم نیستند. از سرکوب و قلع و قمع کوردها به‌دست سلاطین صفوی و عثمانی گرفته تا کشتار و ویرانی‌های حاکمیت مصطفی کمال «آتا تورک» و رضاخان میرپنج» پهلوی و رژیم‌های یکی پس از دیگری در عراق گرفته و تاکنون در دیگر بخش‌های کوردستان، اشغال، تاراج و تپاول و کشتار دستجمعی و آسمیلاسیون ملی ادامه دارد.

در همین شهریورماه حاکمیت‌های انسان‌ستیز ده‌ها جنایت را علیه ملت و میهن ما خلق کردند که نمونه‌ی بارز آن جنایت ۱۷ شهریور و موشک‌باران پایگاه‌ها و مقرات و محل زندگی خانواده‌های دموکرات است که جمهوری اسلامی مرتکب آن شد؛ یا ۲۶ شهریور و ترور ناجوانمردانه‌ی زنده‌یاد دکتر شرفکندی، دبیرکل حزب دموکرات و همراهانش در کشور آلمان از سوی تروریست‌های رژیم منحوس و جنایتکار حاکم بر ایران که لکه‌ی ننگ و ابدی بر پیشانی ولایت فقیه است.

صفحات تاریخ را که مرور می‌کنیم، سرشارند از روزهای فاجعه‌بار و تراژدیک برای ملت کورد و در همان حال در تقویم تاریخی این ملت، روزهای سربلندی و سرافرازی و مباهات به ملت کورد نیز بی‌شمارند. انچنان داستان‌ها و حکایاتی از دلیری، مقاومت و ایستادگی در آن به رشته‌ی تحریر درآمده که کوردستان را سربلند نگه داشته، بطوریکه بازتاب و بازنور حماسه‌های مقاومت و خروشان کوردها، در کتب و نوشته‌های سایر مردم و کشورها بازتاب یافته است.

روز تاریخی دیگری که طی چند روز اخیر به ثبت رسید، روز ۳۰ مردادماه بود که در تقویم سرافرازی و افتخار ملت ما جای گرفت و آسمان آبی ما را به درخشش درآورد. روز ۳۰ مردادماه، روز پویش و درخشش آسمانی بود که

انشقاق و اتحاد

پیام و پیامدهای آن

منصور مروتی

پس از قریب به دو سال مذاکره و تلاش برای رسیدن به توافق، روز ۳۰ مردادماه سال جاری طرفین حزب دموکرات طی مراسمی در شهر کوی سنجق کوردستان عراق اتحاد مجدد خود را اعلام کردند. دستکم طی دو دهه‌ی اخیر جدا از ۲۱ شهریورماه که اعتصاب عمومی مردم کوردستان در واکنش به موشک‌باران قلعه‌ی دموکرات بود، هیچ روز و مناسبتی به اندازه‌ی ۳۰ مردادماه مهم، قابل توجه و مایه‌ی خوشحالی و امیدبخشی مردم کوردستان نبوده است.

در واقع پس از انشقاق صفوف حزب دموکرات در روز ۱۵ آذرماه ۱۳۸۵، مردم کوردستان و به‌خصوص اعضاء، هواداران و دلسوزان حزب در انتظار این روز بودند و پس از ۱۶ سال دلهره و انتظار، حوشان بود که نسبت به این خبر دلخوش باشند و ابراز شادی و خوشحالی کنند.

بدون شک تاریخ سیاسی ملتها شاهد اتفاقات بسیاری از این دست بوده و تاریخ جنبش کورد نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما نکته‌ی قابل توجه در جریان انشعاب این بود که مردم هرگز این انشعاب را به رسمیت نشناخته و از طرفی دیگر هیچ‌وقت در مقایسه با انشقاق دیگر احزاب در هر چهار بخش کوردستان، به‌اندازه‌ی دموکرات‌ها مردم از آنها طلب اتحاد مجدد نداشتند. مردم در هر نقطه‌ی کوردستان و در خارج از کوردستان که با کادر، پیشمرگه و اعضای رهبری هر دو طرف دموکرات روبرو می‌شدند، قبل از هر چیز از اتحاد دموکرات‌ها سخن می‌گفتند. این موضوع هم جای خرسندی و هم نشانه‌ی نفوذ و جایگاه حزب دموکرات در میان مردم و...

ادامه در صفحه ۲

انشقاق و اتحاد

پیام و پیامدهای آن

... جنبش کوردستان و از این مهم‌تر نشانه‌ی سنگینی بار مسئولیت حزب دموکرات از این رسالت تاریخی می‌باشد که بر دوشش نهاده شده است. پس چطور می‌توانست و چگونه می‌تواند رسالت تاریخی‌اش را به‌خوبی به نتیجه برساند اگر همدل و همبسته نبود و اگر با اتحاد به آینده گام نمی‌نهاد؟! گرچه این انشعاب از نظر زمانی زیاد طول کشید و بسیاری از دلسوزان حزب دموکرات را دلواپس و حتی ناامید کرد، اما بحث درخصوص اتحاد مجدد و ادغام طرفین دموکرات هیچ‌وقت در نشست دموکرات‌ها غائب نبود. علیرغم اینکه در این ۱۶ سال به‌عنوان دو حزب کار و فعالیت می‌کردند، اما مدام بدین فکر بودند چه راه‌حلی را در پیش گیرند تا باری دیگر دموکراتها یکی شوند. نکته‌ی قابل توجه در این بخش این بود که ضمن ابران دلسوزی دوستان، علاقه‌مندان و هواداران حزب در کوردستان و خارج از کوردستان، دموکراتها خود در این راه پیش قدم شدند، برای همین خودشان با نشست، گفتگو و توافق توانستند بر تمامی مشکلات فائق شوند.

اتحاد، وحدت و انسجام از اصطلاحات زیبا و ضروریات مبارزه‌ی تمام ملت‌هاست که متأسفانه بسیاری اوقات به‌دلیل انشقاق و پراکندگی، بلعکشش را شاهدیم. تاریخ سیاسی ملت کورد از این درد به در نبوده و این پراکندگی و عدم اتحاد بهترین فرصت‌ها را از جنبش کورد گرفته و پیامد زیانباری را برای ملت کورد به‌دنبال داشته است. شرایط طوری است که این اصطلاحات اکنون به اصطلاحاتی بی‌محتوا مبدل شده‌اند. اما دموکرات‌ها در این مورد نشان دادند که اگر اراده و باور وجود داشته باشند، به‌آسانی می‌توانند این امید ملت کورد را محقق سازند و اشکها، جای خود را به شادی و خوشحالی بدهند.

در جریان این اتحاد موضوعی که جای توجه بود و به‌حق باید بر آن تأکید داشت، این بود که نشان داد گفتگو و دیالوگ به‌منظور حل مشکلات بدون فشار هیچ کس و طرفی خارجی، تجربه‌ای است که باید در جریان اتحاد دموکرات‌ها از آن درس گرفت. زیرا این واقعیتی انکارناپذیر است که چه در گذشته و چه هم‌اکنون و به‌خصوص در جهان امروز، کسی به فکر منافع هیچ ملتی نیست، هر ملتی باید خودش در فکر منافع ملی خویش و چاره‌اندیشی درخصوص آن باشد و از پراکندگی و انشعاب دست بردارد.

اگر به تاریخ طولانی حزب دموکرات نگاه کنیم ضمن این که در بسیاری از مقاطع کار و عملکرد و سیاست و موضع صحیح این حزب نقطه عطف جنبش کوردستان بوده است، اما متأسفانه این حزب بزرگ و پرنفوذ دارای مشکلاتی داخلی نیز بوده است و ضمن این بخش بسیاری از کادر و پیشمرگان این حزب و به‌خصوص رهبری به غیر از چند سال معدود در خارج کوردستان ایران ناخواسته سکونت داشته‌اند؛ اما با این حال پس از چند دهه اکنون هم یکی از پرنفوذترین و محبوب‌ترین حزب در کوردستان ایران است. این محبوبیت و نفوذ و اعتبار حزب دموکرات بی دلیل نیست، چرا که اعضای این حزب چه زمانی که در کنار هم و با هم متحد بوده‌اند و چه هنگامی که دچار انشعاب بوده‌اند، آنقدر برای مردم خود زحمت کشیده‌اند که نمی‌توان به این آسانی از این حزب دست بردارند. اگر اینطور نبود مردم پس از این همه سال از خواسته‌ی خود که اتحاد دموکرات‌ها بود دست برمی‌داشتند و از آن روی می‌گردانند. اما محبوبیت این حزب در میان مردم طوری بود که دلسوزان دمکرات از خواسته‌ی خود دست برنداشتند تا اینکه ۳۰ مردادماه را به چشمان خود دیدند.

اکنون که این آرزوی مردم کوردستان و دمکرات‌ها تحقق یافته، پیش از هر کس خود دمکراتها به این واقعیت پی برده‌اند و بهتر از هر کس می‌دانند که برداشتن گام بزرگ به‌سوی آینده و به انجام رساندن رسالت تاریخی حزب پیشوا قاضی محمد این است که از مشکلات و اختلافات گذشته درس عبرت بگیرند.

برای رسیدن به این هدف، دمWکراتها باید وظیفه‌ی خود بدانند که، همه باهم باید بار این مسئولیت را بدوش بکشند، همانگونه که در نخستین بند توافقتشان آمده است:

" جنبش ملت کورد در کوردستان ایران و به‌خصوص خانواده‌ی بزرگ دموکرات به‌دلیل انشقاق صفوف حزب دموکرات کوردستان ایران در ۱۵ آذرماه سال ۱۳۸۵ با خسارت بزرگی روبرو شدند. برای همین هر وقت بر این تأکید می‌کنند که هر دو طرف، از خسارت و انشعاب در صفوف حزب دموکرات در گذشته، خود را مسئول می‌دانند، اتحاد مجدد دموکرات و حفظ همبستگی صفوف حزب در آینده وظیفه و مسئولیت مشترک و ضروری است که از تجربه‌ی تلخ و زیانبار گذشته درس عبرت بگیرند و از تکرار تجربیات تلخ جلوگیری کنند".

مصطفی هجری:

حکم دادگاه میکنونوس

التیامی بر زخم ترور رهبران شهیدمان بود



اشاره: در چند روز اخیر تلویزیون بی بی سی فارسی مصاحبه‌ای با مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران منتشر کرد. آقای مصطفی هجری در این گفتگو به تبیین مشی و سیاست‌های حزب در خصوص موضوعات مهم سیاسی ایران و کوردستان پرداخته است. این گفتگو مدتی پیش از اتحاد مجدد حزب دموکرات کوردستان ضبط شده و بعد از این رخداد مهم سیاسی منتشر گشته است. "کوردستان" از حیث اهمیت موضوعات مورد بحث در مصاحبه اقدام به بازنشر آن کرده است

برای بسیاری از کوردهای مخالف جمهوری اسلامی، می‌گویند جنگ بین حزب دمکرات و کومله یکی از سیاه‌ترین وقایع تاریخ کوردستان ایران است، آیا شما به عنوان بخشی از رهبری آن زمان حزب دمکرات و اکنون احساس نمی‌کنید که اشتباه کردید؟

شاید از طرف حزب دمکرات کوردستان ایران آن زمان اشتباهاتی شده است. متأسفانه آن زمان عقاید کومله و سیاست‌ها و ایده‌هایشان طوری بود که حزب دمکرات کوردستان ایران را تحمل نمی‌کردند. آن زمان بودند مسئولان‌شان که می‌گفتند مبارزه‌ی ما مقدم بر همه باید با حزب دمکرات کوردستان باشد. چون بالاخره جمهوری اسلامی یک روز از بین می‌رود ولی حزب دمکرات کوردستان ایران برای چپ، آن زمان همیشه خطر دارد. این‌ها بوژوازی هستند. آنان که خودشان را نماینده‌ی طبقه‌ی کارگر می‌دانستند، با احزاب بورژوا پایان ناپذیرند. بایستی آنها را از پا درآورد.

ما می‌بینیم در ایران هر وقت حرکت‌هایی در کوردستان شروع می‌شود، حتی در میان گروههای مخالف به عنوان یک حرکت جدایی طلبی تلقی می‌شود، آیا شما توانسته‌اید ارتباطی را با گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی داشته باشید؟

ما با بسیاری از گروه‌ها و احزاب اپوزیسیون ایرانی، ارتباط داشته‌ایم و حال نیز ارتباط داریم. با احزاب ملیت‌های ایرانی ارتباط داریم و با آن‌ها هماهنگی و ارتباط داریم. به‌علت محدودیت‌ها و فشارهایی که تابه‌حال در این مدت روی حزب دمکرات کوردستان ایران بوده، ما نتوانسته‌ایم آنطور که لازم است، حزب دمکرات کوردستان ایران و مبارزات مردم کورد در کوردستان ایران را آنطور که هست را به سایر هم‌وطنانمان برسانیم.

در کوردستان عراق پایگاه‌های شما، هدف حملات موشکی سپاه پاسداران قرار گرفته است، این تا چه اندازه روی فعالیت‌های شما یا فشار دولت اقلیم کوردستان، به شما تاثیر داشته که فعالیت‌هایتان را محدود کنید؟

فشار از دو طرف بوده، هم از طرف رژیم جمهوری اسلامی و هم از طرف حکومت اقلیم کوردستان و احزاب کورد ساکن کوردستان عراق. ما هم توانسته‌ایم، در این میان یک تعادل ایجاد کنیم که بتوانیم آنجا ماندگار بشویم و این حدود از مبارزاتمان را که آنجا امکان دارد، بتوانیم ادامه دهیم.

آیا نگران نیستید از فشارهایی که جمهوری اسلامی، بخصوص با حملات موشکی اخیر به اربیل، به جاهای دیگر داشته؟ ممکن است این فشار باشد به اقلیم کوردستان که شمار را مجبور

کنند آن منطقه را ترک کنید؟

جمهوری اسلامی این فشارها را آورده و از حکومت اقلیم کوردستان مشخصا خواسته که ما را از کوردستان اخراج یا حداقل خلع سلاحمان کنند. ولی تابه‌حال خوشبختانه این اتفاق روی نداده است.

ارتباط حزب دمکرات کوردستان ایران با سایر احزاب کورد مخالف ایرانی چطور است؟

الان با هیچکدام از احزاب کورد اپوزیسیون ایرانی، تنش نداریم. رابطه‌مان، رابطه‌ای دوستانه است. با بعضی از آنان، ما یک ائتلاف بوجود آوردیم به‌نام مرکز همکاری احزاب کورد اپوزیسیون ایرانی که با همدیگر همکاری می‌کنیم. با آن گروهی که انشعاب کرده‌بود، ما مدت بیش از یک سال است در مذاکره هستیم. به هدف اینکه بتوانیم باری دیگر همگام شویم. در این مورد هم گام‌های مثبتی برداشته‌ایم.

البته چند سال پیش من از شما شنیدم، گفتید امیدوار هستید آیا این بار با چند سال پیش تفاوت دارد؟

بله، تفاوت دارد. چون آن زمان که من گفتم امیدوار هستیم، شاید آن وقت مذاکراتمان در مراحل ابتدایی بوده است.

این سوالی است که چرا دو حزب دمکرات نمیتوانند با هم متحد شوند، چیزی که شما به لحاظ مانقست می‌شود گفت خیلی به‌هم نزدیک یا عین همدیگر هستید؟

در واقع انشعابات‌ی که حداقل از زمانی که رژیم جمهوری اسلامی ایران روی کار آمده، یعنی در طول این بیشتر از سه دهه، به جز نخستین انشعاب، بقیه هیچ کدامشان مبنای فکری، تشکیلاتی و سیاسی نداشته‌اند. بلکه بیشتر بر اثر تفاوت در رفتارها و تعامل با یکدیگر بود.

این مسئله‌ی رهبری حزب را چگونه حل می‌کنید، آیا به فکر این هستید که یک شورا تشکیل شود یا نه توافق شده که چه کسی رهبری حزب را در دست داشته باشد؟

تاکنون به این توافق رسیده‌ایم که حزب دمکرات کوردستان ایران، به همین عنوانی که الان هست، حزب متحد همین عنوان را خواهد داشت. لوگوی حزب دمکرات کوردستان ایران، لوگوی رسمی حزب دمکرات کوردستان ایران خواهد بود. علاوه بر آن توافق شده که من تا تشکیل کنگره‌ی مشترک، رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران را بر عهده داشته باشم. ما در مذاکراتمان توافقاتی کرده‌ایم که در کنگره اعضای رهبری جدیدی که انتخاب می‌شوند افرادی باشند که از هر دو طرف انتخاب شوند.

در چند سال گذشته در تظاهرات به‌خصوص در مناطق غیرکوردنشین شعارهای شنیدیم، رضا شاه روحت شاد و به گواه خیلی از نیروهای مخالف، سلطنت‌طلب‌ها و رضا پهلوی یک نیروی مخالف هستند که نمی‌شود آنان را نادیده گرفت، آیا شما هیچ وقت با این سلطنت‌طلب‌ها، با آقای پهلوی تماس گرفته‌اید و با آنان صحبت کرده‌اید که بتوانید در جنبه‌های مشترک بتوانید باهم همکاری کنید؟

من دو بار با آقای رضای پهلوی ملاقات داشتم. بحث‌های کردیم ولی به نتیجه نرسیدیم که بتوانیم با هم همکاری کنیم.

شما الان می‌گویید یک سیستم فدرالی، حتی ایشان با این مخالف است؟

خود آقای پهلوی، خیلی متمایل‌تر بود. ولی گروهش، آرای خیلی متفاوت و گاها متضاد هستند. به‌همین جهت هم یکی از دلایل اینکه هنوز هم هیچکدام از سازمان‌های سیاسی نتوانسته‌اند، با ایشان ائتلاف کنند ما می‌بینیم به علت همین اختلافات است.

با سازمان مجاهدین خلق چه؟ می‌دانم در سال‌های گذشته شما با هم همکاری می‌کردید ولی سازمان مجاهدین گفت شما را اخراج کردند به‌خاطر اینکه مخفیانه داشتید با جمهوری اسلامی مذاکره می‌کردید؟

در سال‌های اخیر نه، ارتباط نداشتیم، آن هم اشکالش برمی‌گردد به خود سازمان مجاهدین. در شواری ملی مقاومت یک عضو مؤثر بودیم، بعد از آن بیرون آمدیم. آنها می‌گویند حزب دمکرات را خارج کرده‌ایم. ما معتقد هستیم یک روز اختلافات حزب دمکرات کوردستان ایران و مبارزات مردم

کورد، باید در تهران از طریق مذاکره حل شود. این مسئله‌ای بوده که سازمان مجاهدین با آن مخالف بوده است.

ما شاهد بودیم اخباری منتشر و تأئید هم شد که نمایندگانی از احزاب کوردی از جمله حزب شما از طریق یک سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی با ایران مذاکراتی داشته است، می‌توانید به ما بگوئید پیشنهادات ایران به شما چی بود؟

مرکز همکاری احزاب کورد ایرانی، یعنی این چهار حزب بودیم که یکی از آن‌ها ما هستیم، در این بحث‌ها قرار گرفتیم. آن هم نه مذاکره‌ی مستقیم با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، بلکه یک سازمان نروژی پادرمیانی کرد.

یعنی شما هیچ وقت با نمایندگان جمهوری اسلامی رودرو نشدید؟
نخیر.

یعنی حاضر بودند که امتیازاتی به شما بدهند، برگردید به ایران و حزب تشکیل بدهید و فعالیت آزاد داشته باشید و اسلحه را کنار بگذارید؟
جواب‌های که از طریق این مرکز به ما می‌رسید این بود که جمهوری اسلامی در این مدت فقط هدفش این بود که اطلاع پیدا کند که آخرین خواسته‌های ما و نظرات ما در رابطه با ادامه‌ی این مذاکرات چیست. وقتی خواسته‌های ما را شنید دیگر جوابی نداد. یعنی آن‌ها مشخصا نگفتند که از این خواسته‌های که شما در نظر دارید، چه چیزی و چه حقوقی به شما داده می‌شود یا داده نمی‌شود.

آیا مبارزه مسلحانه از همان روز اول انقلاب، گزینه‌ی اول حزب دموکرات بود؟
نخیر، از ابتدا حزب دموکرات کوردستان ایران خواستار مذاکره با جمهوری اسلامی ایران بود که تازه بر سر کار آمده بود. آن زمان جمهوری اسلامی در واقع نیروهایش، نیروهای پسمانده از رژیم شاه بود در پادگان‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی در واقع پراکنده شده بودند، آن زمان پیشنهاد مذاکره داده بودند. آن زمان یک هیئت از ایران تعیین شد که مرحوم داریوش فروهر هم یکی از آنان بود، مدت یک سال آمدند با حزب دموکرات کوردستان ایران، کومه و چند حزب دیگر که در مه‌باد بودیم مذاکره کردند. ولی در آخر متأسفانه معلوم شد که این مذکرات از طرف جمهوری اسلامی ایران برای کسب وقت بوده است. وقتی که آن‌ها توانستند نیروهای پراکنده‌شان را سازمان‌دهی کنند، بار دیگر به مه‌باد و دیگر شهرهای کوردستان ایران حمله کردند و مذاکرات قطع شدند.

آیا دفتر سیاسی حزب دموکرات کوردستان ایران، از مذاکراتی که دکتر قاسملو در سال ۱۳۶۸، با نمایندگان جمهوری اسلامی در اتریش خبر داشتند؟
دور نخست مذاکراتی که دکتر قاسملو با نمایندگان جمهوری اسلامی در وین داشت، ما در دفتر سیاسی حزب اطلاع نداشتیم. ولی بعد از سفری که دکتر قاسملو به اروپا داشت و آن مذاکرات را کرده بود، در برگشت این را به ما گزارش داد. موافق این

مذاکرات بودیم ولی مخالف این بودیم دکتر قاسملو خودش شخصا در این مذاکرات حضور داشته باشد. قرار را بر این گذاشته بودیم که هیئتی از حزب دموکرات کوردستان ایران، مأموریت پیدا کند با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در اروپا. ولی متأسفانه اینطور نشد.

نقش جلال طالبانی رهبر اتحادیه‌ی میهنی کوردستان ایران در آن موقع چه بود، می‌دانیم در دوره‌های اول مذاکرات حضور داشت، اما بعدا نبود و به‌خصوص روزی که دکتر قاسملو ترور شد ایشان نبودند. بعضی‌ها این شبهه را به‌وجود آورده بودند ممکن است با جمهوری اسلامی همکاری کرده باشد؟

مام جلال در موضوع شهادت و ترور دکتر قاسملو دخیل نبوده است. در دور اول مذاکرات مام جلال حضور داشت و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران هم وعده‌های هم داده بودند. ولی بعد دکتر قاسملو خودش به ما گفت که نمایندگان جمهوری اسلامی به ما گفته‌اند که بعد از این خودمان با هم مذاکره می‌کنیم، ما ایرانی هستیم، بحث‌هایمان را خودمان می‌کنیم، مشکلاتمان را خودمان حل می‌کنیم. لزومی ندارد که افراد غیره ایرانی در این مذاکرات حضور داشته باشد که منظورشان مام جلال بود. حتی این را گفته بودند که ممکن است مام جلال این بحث‌ها را آشکار کند، آن موقع قرار بود این مذاکرت مخفی بماند تا مرحله‌ی دیگر پیش می‌رود. به‌همین جهت مام جلال در نوبت‌های دیگر بهتر است شرکت نکند.

جمهوری اسلامی از اول هدفش از این مذاکره به دام انداختن دکتر قاسملو بوده است و می‌دانست که اگر مام جلال در نشست‌های دیگر حضور داشته باشد، یا نمی‌توانند به هدفشان برسند و دکتر قاسملو را ترور کنند. یا اگر اینکه این کار را انجام دهند، برایشان خیلی گرانتر تمام می‌شود.

با برخی از افرادی که قبلا در سطح بالایی عضو رهبری حزب دموکرات بودند صحبت کردم، بعضی از آن‌ها دکتر قاسملو را متهم می‌کردند که تک رو بوده، می‌گفتند با بدنه‌ی حزب دموکرات نمی‌توانست ارتباط برقرار کند، حتی بعضی دیگر با آقای قاسملو نزدیک بودند می‌گفتند سال‌ها در اروپا زندگی کرده بودند، با خیلی از شخصیت‌های جهانی ارتباط برقرار کرده بودند، این مشکل حزب دموکرات، حتی بدنه‌ی حزب دموکرات در سطح دفتر سیاسی بود که نمی‌توانستند این ایده‌های که آقای قاسملو داشت درک کنند، کدامش درست است؟

دکتر قاسملو شخصیتی داشت که خیلی راحت، می‌توانست با هر کسی به نسبت سواد، اندیشه، تفکر او می‌توانست صحبت کند. با یک استاد دانشگاه، استاد دانشگاه بود. با مردم عادی، پیشمرگان، اعضای حزب و مردم روستاها، درست مثل آنان صحبت می‌کرد.

ما می‌بینیم سه سال بعد در اروپا باز هم، دکتر صادق شرفکندی رهبر حزب دموکرات کوردستان

ایران ترور می‌شود، شما از ترور دکتر قاسملو چیزی یاد گرفتید؟ چرا این اشتباه دوباره تکرار شد؟

البته این یک انتقاد به‌جایی است بر حزب دموکرات کوردستان ایران. متأسفانه دکتر شرفکندی هیچ ملاحظه‌ی امنیتی نمی‌کرد. به همین جهت متأسفانه زود به دام افتاد.

دادستانی آلمانی برای اولین بار، خیلی‌های می‌گویند بعد از دادگاه نورمبرگ، از جمهوری اسلامی ایران به عنوان تروریسم دولتی نام برد و سران جمهوری اسلامی را متهم کرد که در سازماندهی و اجرای این ترورهای نقش داشته است؟

در یک دادگاه بی‌طرف ثالثی سران این حکومت به‌عنوان تروریست شناخته و محکوم شدند. این یک نوع التیام زخم‌هایی بود که ما به عنوان بدنه حزب دموکرات کوردستان ایران و مردم کوردستان برداشته بود از این ترورها.

بعد از حکمی که صادر شد، آیا این حکم دادگاه می‌کونوس تأثیری بر رفتار جمهوری اسلامی در اروپا داشته است؟

نه برای همیشه، برای مدتی جمهوری اسلامی ایران از ترور کنشگران سیاسی، رهبران احزاب اپوزیسیون که به اروپا رفت و آمد می‌کردند و یا در آنجا ساکن بودند، دست برداشت. ولی مطمئنا، در همین زمان هم مشغول برنامه‌ها و توطئه‌های خودش بوده است، به اشکال دیگری از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات، ایجاد واسطه. همچنان دیدیم در سالهای اخیر جمهوری اسلامی ایران باری دیگر این برنامه‌ها را در اروپا شروع کرده است.

در چند سال گذشته شما رهبر این شاخه‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران بودید، آیا تهدیدی علیه شما بوده؟ آیا شما نگران جانتان نیستید؟

توطئه چیدند، عوامل فرستاندند، ولی خوشبختانه همه‌ی این‌ها کشف شده، جمهوری اسلامی تا به حال موفق نبوده، ولی من می‌دانم که جمهوری اسلامی از این فعالیت، دست برنداشته است.

می‌دانیم الان در ایران تظاهراتی در جریان است خیلی‌ها به آن می‌گویند شورش گرسنگان به خاطر مسائل اقتصادی، به‌عنوان نماینده‌ی بخشی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، نماینده‌ی بخشی از کوردها، پیام شما به سایر گروه‌ها مخالف جمهوری اسلامی ایران چیست؟
فکر می‌کنم چه آن موقع که حزب دموکرات کوردستان ایران خواستار خودمختاری بود، چه بعد از آن که برنامه‌اش را تغییر داد و خواستار فدرالیسم بود، اینها خواسته‌های مردم کورد در کوردستان ایران است. ما وقتی می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که مبارزات ما یک مبارزه‌ی اصیل است که بر مبنای خواسته‌های مردم باشد. اگر مردم بخواهند ما مبارزه را ادامه می‌دهیم، اگر نخواهند مسلما مبارزه‌ای در کار نخواهد بود.

یگانگی دوباره حزب دموکرات کردستان ایران، فزونی بخش رزم مشترک ما



شما، نه تن‌ها عزم مشترک ما در راه تحقق اهداف مشترک و اعالم شده را دو چندان میکند، بلکه با توجه به نقش و موقعیت حزب شما و همچنین جنبش ملی – دموکراتیک در کردستان ایران، صفحه نوینی از مبارزه مشترک و همکاریهای پایدار در مبارزه مردمان ایران برای رهایی از حکومت استبدادی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و دموکراسی را باز مینماید که حاصل آن، گسترش تالش و مبارزه مشترک و موفقیت روزافزون در راه گردآوری همه نیروهای معتقد به مولفه‌هایی چون جمهوری، دموکراسی، فدرالیسم و جدایی دین و دولت در یک پلتفرم مشترک باشد. ما بار دیگر وحدت مجدد صفوف دو حزب دموکرات را تبریک میگوئیم.

- کنگره ملیتهای ایران فدرال
- شورای دموکراسی خواهان ایران
- همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

از اتحاد مهم‌تر



البرن رویین‌تن

کسانی که در مورد حزب دموکرات می‌نویسند اغلب از مفهوم دینامو انقلاب در شرق کوردستان برای نشان دادن تأثیر حزب بر جنبش آزادی بخش ملت کورد استفاده می‌کنند. این مفهوم بیش از آن که به منظور تبلیغ برای حزب باشد، ناشی از واقعیت‌هایی‌ست که در اولین روز تأسیس حزب (ژ-ک) و همچنین نقش این حزب در مراحل مختلف در انگیزه و هدایت جنبش‌ها در شرق کوردستان داشته است. در تمام این مراحل هر زمان که حزب قوی بوده، جنبش کوردها شکوفا شده و توسعه یافته است. این واقعیت با فداکاری‌های بسیاری از سوی این سازمان برای تضمین حقوق ملی ملت کورد نشأت گرفته است.

هر چند تاریخ پر از افتخار حزب بدون کاستی نبوده، یک موضوع از زمان تأسیس حزب بدون تغییر باقی مانده و آن هم جایگاهش در میان مردم کورد بوده است. همین موضوع هم باعث شده که هر گونه اقدامی از سوی حزب تأثیر مستقیمی بر جنبش ملت کورد در شرق کوردستان داشته باشد. به همین دلیل است که از آن بعنوان دیناموی جنبش یاد می‌شود. در روزهای گذشته با تصمیمی درست و لازم و به‌جا، صفوف حزب دوباره متحد شده و ما بازتاب بسیار مثبتی را در شرق کوردستان و دنیای سیاست و رسانه‌ها نسبت به این اتحاد دیده‌ایم و همچنین شاهد موجی از شادی مردم بطور کلی و وفاداران و هواداران حزب بطور خاص هستیم، که نشان دهنده‌ی این واقعیت است که جایگاه حزب در درون جامعه کوردی در سطح بالایی قرار دارد.

این موضوع باعث شده که همیشه از حزب به عنوان دیناموی جنبش یاد شده و تأثیر آن بر جنبش آزادی‌بخش ملت کورد مشهود باشد، اما هدف از این نوشته نشان دادن بازتاب مثبت این تصمیم حزب نیست، زیرا تاکنون در مورد آن صحبت‌های زیادی شده و هر کوردی آن را به طور مستقیم و غیر مستقیم احساس کرده، بلکه باید در مورد مرحله بعد از آن تصمیم صحبت کرد. چرا که این موج بزرگ شادی و حمایت مردم در عین حال مسئولیت سنگینی را بر دوش این حزب می‌گذارد، این مسئولیت‌ها و نیازهای وضعیت کنونی شرق کوردستان و جنبش که زمینه اتحاد دو بخش حزب دموکرات را به وجود آورده و بسیار مهم است، این ضرورت را به دنبال دارد که گام‌های مهم دیگری برای رسیدن به موفقیت بیشتر برایش برداشته تا در حد آن مسئولیت تاریخی حزب گام نهم و مطمئنا هر موفقیتی تأثیر مستقیمی بر جنبش مشروع ملتمان خواهد داشت.

مهم تر از اتحاد، حفظ آن در آینده است. دشمنان ملت کورد از همان ابتدا برای تضعیف کوردها سعی در تقسیم کوردستان و ملت کورد داشته‌اند، و در برخی موارد خود کوردها این تقسیم‌بندی را گسترش داده‌اند و نتوانسته‌اند در چارچوب یک سازمان متحد شوند، که نتیجه آن تضعیف جنبش کوردی بوده است و بلعکس هر گونه اتحاد در هر سطحی، تقویت جنبش را به دنبال داشته است و این بدین معناست که باید هر کدامان این اتحاد را همانند چشمانمان حفظ کنیم. اما چگونه این اتفاق می‌افتد؟ بدون شک با تجربه گرفتن از گذشته می‌توانیم در راستای تقویت این اتحاد گام برداریم.

از مرحله اتحاد مجدد مهم‌تر، تقویت جنبه‌های مختلف مبارزه در سطوح متفاوت با بهره‌گیری از پروژه‌ها و ایده‌های علمی و مدرنی است که حزب دموکرات به دلیل موقعیت مردمی و پتانسیل بزرگ نیروی انسانی خلاقی که دارد از آن برخوردار است و با آگاهی از این مسئله دشمن کاملاً از آن می‌ترسد و می‌خواهد این پتانسیل را از طریق جنگ نرم از حزب دور نگه دارد. به همین دلیل است که این پتانسیل می‌تواند تمام جنبه‌های این جنبش را تقویت کند.

مهم تر از اتحاد، انتقال آن به سطح همه نیروها و احزاب سیاسی شرق کوردستان است، زیرا حزب دموکرات هرگز از قدرت و نفوذ گسترده‌ی خود مغرور نگشته، بلکه همواره تلاش کرده با استفاده از این نفوذ خود، وحدت بین احزاب شرق کوردستان را نیز گسترش دهد. پس از اتحاد، این موضوع باید بیش از پیش و با پروژه‌ای خاص در سطوح بالاتر برای مسئله کوردها در آینده ایران در نظر گرفته شود. دیناموی جنبش می‌خواهد که حزب این گام‌ها را استوارتر بردارد و در مرحله‌ی جدید پس از اتحاد گام‌های مهمتری از وحدت در جهت اهداف مهم‌تر برداشته شود. دکتر قاسملو، که نقش بی‌بدیلی در احیای این سازمان داشت، ادامه بقای حزب در جنبش را ناشی از سه عامل می‌دانستند: وجود سیاست درست، موضع و حمایت توده‌ها و همچنین از خود گذشتگی و پایداری پیشمرگان. امروز هم نقش این سه خاستگاه اصلی تصمیمات حزب در اتحاد و تقویت جنبش به وضوح دیده می‌شود و به همین دلیل وقت آن رسیده که گام‌های مهم‌تری از اتحاد برداریم.

البته با حمایت همه طرف‌ها حزب دموکرات ظرفیت و توانایی برداشتن گام‌های مهم‌تری دارد و این هم یک وظیفه و هم یک کار شدنی است.

هر جا به ما حمله شود از خود دفاع خواهیم کرد

(سخنرانی کاک خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران و پرشش و پاسخ در کنفرانس مطبوعاتی اتحاد دوباره حزب دموکرات)



خیرمقدم عرض می‌نمایم خدمت همه شما کانالهای خبری و اصحاب رسانه!

روز گذشته سندی تاریخی در تاریخ مبارزاتی حزب دموکرات و در تاریخ مبارزه و فعالیت کوردی کوردستان ایران امضا شد. این توافق و سند میان حزب دموکرات کوردستان ایران و حزب دموکرات کوردستان بود که از سوی هر دو طرف امضا شد و از روز گذشته به بعد همه دموکرات‌ها تحت عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. اهمیت این سند در این است که در مقطعی امضا شد که انشقاق صفوف و عدم همبستگی متاسفا تا حدودی بر فضای مناسبات سیاسی کوردستان سایه افکنده بود. از این حیث حائز اهمیت است که ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی روزانه به انحای مختلف مطرح و این مسئله که چگونه با ایران تعامل شود و در همین رابطه فاکتور حزب دموکرات همچون بازیگر نقش اول و اصلی این معادلات سیاسی در کوردستان حائز اهمیت بوده و این یکی شدن بیش از پیش این جایگاه را مستحکم‌تر از پیش خواهد کرد.

این رخداد برای همین منظور با اهمیت است، چرا که حامل پیامی بسیار روشن و آشکار است برای مردم کوردستان ایران، جای که حزب دموکرات در آن تاسیس شد، این توافق به مردم کوردستان خواهد گفت که انشقاق و جدایی تأثیری بر جریان مبارزات ما نگذاشته و از سوی پیام مردم کوردستان ایران و از سوی دیگر پیام دوستان حزب دموکرات از همه بخش‌های کوردستان به ویژه اقلیم کوردستان را جدی گرفته و تلاش کردیم این رسالت محول شده را تحقق بخشیم و حزب دموکرات اتحاد دوباره خود را باز یابد. همزمان این سند حاوی پیامی روشن است برای حزب و طرفین سیاسی ایرانی همچنان که ما دو حزب را در حزبی واحد متحد کردیم، می‌توانیم با هماهنگی برای انجام کارهای مشترک و بزرگ کار بکنیم.

با این اتحاد وظیفه و مسئولیت دیگری را نیز بر دوش خود افزودیم آن هم در مقابل کوردستان ایران است. جایی که مبارزه و فعالیت و تحرکی گسترده علیه جمهوری اسلامی در جریان است و آن‌ها محتاج همبستگی و اتحاد دموکرات‌ها بودند؛ این نیز مسئولیت خطیری را بر عهده ما قرار داده که در آینده چگونه پاسخگوی آن مبارزه باشیم. ما برای اینکه این پروسه‌ی اتحاد را به نتیجه برسانیم، توافقی کرده‌ایم که به درستی به استقبال کنگره یکی شدن دموکرات‌ها برویم و یک رهبری موقت این حزب را تا کنگره اداره کند.

اتحاد دوباره حزب دموکرات به مثابه باسابقه‌ترین حزب کوردی در کوردستان ایران حامل پیامی مثبت نیز برای مردم اقلیم کوردستان است، برای حزب و سازمان‌های اقلیم کوردستان تا بتوانند در این وضعیت حساس و متشنج امروزی منطقه با اتحاد خود وزن و جایگاه خود را حفظ کنند.

درست است که پروسه اتحاد دوباره ما اندکی طول کشید، اما دو دست‌آورد مهم داشت. نخستین این بود که عقلیت گفت‌وگو و مذاکره برای حل و فصل کردن مشکلات در اولویت نخست باشد. دومی نیز، اساسا مذاکره و گفت‌وگو نیز خود تمرینی برای تحمل کردن همدیگر می‌باشد، همین است که این فاکتورها می‌توانند مبنای درست برای چگونگی مدیریت صحیح امروز حزب دموکرات باشد، حزب دموکرات کوردستان ایران.

می‌توان گفت که انشقاق تأثیر آنچنانی سیاسی بر پروسه‌های کلان ما علیه جمهور اسلامی در سطح داخلی و در رابطه با اپوزیسیون ایرانی در سطح بین‌المللی و دیپلماسی نیز نداشت؛ همچنین اگر در این زمینه‌ها نیز دیدگاه‌های متفاوتی داشتیم هم‌اکنون بسیار نزدیک شدیم. خوشبختانه در دموکرات واحد در سیاست و موضع و مسائل سیاسی مشکلات این چنینی را نخواهیم داشت. تا آنجا که به کوردستان

ایران برمی‌گردد، از این مبارزه و فعالیت گسترده‌ای که در جریان است حضور داریم و به این سیاست تداوم می‌بخشیم؛ چراکه مردمان همین توقع را نیز از حزب خود دارند. حزب دموکرات فراز و فرود بسیاری را تجربه کرده، رهبرانش ترور شدند، صدها کادر و پیشمرگ آن ترور شدند، موشک‌باران شده ولی در همه حال این مردم کوردستان ایران بودند که حامی و پشتیبانش بودند و مانع از پای پس کشیدن این حزب شده‌اند. در رابطه با اقلیم کوردستان نیز متاكد می‌شویم که حزب دموکرات بر اساس عدم دخالت در امور داخلی عراق و اقلیم کوردستان و احترام به حاکمیت این کشور و قوانین اقلیم کوردستان همیشه جویای این بوده که مشکلات طرفین اقلیم کوردستان با دیالوگ و مذاکره حل و فصل شود و حزب دموکرات هم در همین راستا از هیچی دریغ نکرده و دوباره نیز امیدوار به حل و فصل مشکلات اقلیم کوردستان با عراق از راه گفت‌وگو هستیم.

رو به جامعه جهانی نیز، ما همیشه اعلام کردیم که نباید مشکلات جامعه ایران را به مسائل اتمی و آینده توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی محدود کنند. در همین رابطه تأکید کردیم که هیچ کس و جریانی نمی‌تواند حزب دموکرات و مسئله کورد را در معادلات ایران نادیده بگیرد و اگر مسئله ملی ما کوردها و دیگر ملیت‌های تحت ستم انکار شود، ایران هرگز رنگ امنیت و آرامش را به خود نخواهد دید و نیز کشوری قابل اطمینان و با ثبات برای کشورها و شرکای

سیاسیش نیز نخواهد بود. رو به احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی هم اعلام می‌کنیم که حزب دموکرات همیشه آمدگی این را دارد که با آن‌ها در تعامل و گفت‌وگو باشد، چراکه همگی نیازمند به آلترناتیو و جایگزین جمهوری اسلامی هستند، چراکه همه خواهان گذار از این نظام‌اند، منتها هنوز مقنع نشدند که بدیل آن چگونه نظام سیاسی خواهد بود؟ و این یکی از وظایف حزب دموکرات کوردستان ایران می‌باشد که بایستی این سیاست را تداوم بخشد.

رو به دیگر بخش‌های کوردستان، اتحاد دوباره دموکرات‌ها موج گسترده‌ای از پیام تریک و شادی و خوشحالی همه بخش‌های کوردستان را برای ما در پی داشت. پیام ما نیز این است: آرزومندیم که همه جریانات روحیه وحدت و همبستگی را تقویت کنند، چراکه امروزه کورد بیش از هر زمانی محتاج اتحاد و همبستگی است. حالا هم اگر سوالی دارید جوابتان را خواهم داد.

جناب خالد عزیزی اتحاد دوباره دموکرات‌ها در داخل کوردستان ایران چه

عکس‌العمل را در پی داشت؟ همچنین در بیانیه مشترک خود این مسئله را مطرح می‌کنید که انشقاق راه حل مشکلات داخلی نیست، بلکه باید با تحمل یکدیگر و تغییر در سیستم و روش کاردن مشکلات را حل و فصل کرد. چه مکانیزمی را در نظر گرفتید؟ طبق اخبار و عکس و ویدیوهای که در فضای مجازی منتشر شدند، مردم در داخل کوردستان ایران خوشحال هستند و این را هم بگویم که خوشحالی مردم طبیعی است، چرا که حزب محبوبشان دوباره اتحاد خودش را بدست آورده، حزبی که پیشوا قاضی محمد بنیانگذار آن بود، دکتر قاسملو در راه حل صلح‌آمیز مسئله کورد توسط جمهوری اسلامی در آن ترور شد و دکتر شرفکندی نیز برای یافتن راه حلی جهت همبستگی صفوف ایرانی‌های مخالف جمهوری اسلامی ترور شد. به نسبت سوال دوم هم، ما کوردها این طور خو گرفته‌ایم در بسیاری مواقع وقتی دچار مشکل داخلی می‌شویم همدیگر را تحمل نمی‌کنیم و به دنبال راه حل‌های دیگری می‌رویم. مشکلات این هستند که در مقابل یکدیگر کوتاه نمی‌آییم و همدیگر را تحمل نمی‌کنیم. بر اساس تجربیات گذشته، اکنون ما به عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران موظفیم حزبی که پیشوا آن را تاسیس و مردم کوردستان ایران آن را همچون امانتی به دست ما دادند، با اتحاد خود آن را حفظ و اشتباهات و انحرافات خود را آسیب‌شناسی کنیم.

آقای عزیزی مکانیزم کنگره مشترک چگونه و با چه مکانیزمی در کنگره شرکت می‌کنید؟ همچنین کی کنگره خود را می‌گیرید؟ حالا در حال تلفیق حزب هستیم. برای این مرحله اداره‌ای مشترک تشکیل داده و بر سر آن به صورت مکتوب توافق کرده‌ایم. هدف از مرحله گذار نیز تمرین مدیریت مشترک حزبی واحد است و کنگره آینده هم که تحت عنوان کنگره اتحاد دوباره دموکرات‌ها خواهد بود، بخش اعظم آن طبق همین توافقی که عرض کردم خواهد بود. این که کی و چه زمانی کنگره مشترک گرفته خواهد شد، در اینجا نمی‌توانم زمان تعیین کنم، اما طبق اصول و پرشسپ و پروتکل بر سر همه این موارد توافق کردیم.

این مسئله را طرح کردید که جامعه جهانی مسئله کورد ایران را نادیده گرفته. اما تاکنون تلاش شما برای معرفی قضیه کورد به جامعه جهانی چه بوده؟ و تکلیف مبارزه مسلحانه شما پس از اتحاد دوباره چه می‌باشد؟

حزب دموکرات کوردستان ایران در حیات سیاسی خود فراز و نشیب بسیاری را تجربه کرده. مبارزه اصلی ما مبارزه مردم است،

مبارزه توده‌های مردمی، میلیون‌ها نفر در کوردستان ایران مخالف جمهوری اسلامی فعالیت دارند و همین مردم هم حزب دموکرات را درست کردند. حزب دموکرات مراحل زیادی را تاکنون طی کرده: زمانی که مورد حمله قرار گرفتیم، نیروی پیشمرگ حزب دموکرات مجبور به دفاع مشروع شده و مبارزه مسلحانه در جریان بوده. هرگز در برنامه ما نبوده که از اقلیم کوردستان نیروی پیشمرگ را روانه کوردستان ایران بکنیم و در آنجا علیه رژیم عملیات نظامی انجام بدهند. اما باید این مسئله را مدنظر داشته باشیم که مردم کورد در کوردستان ایران بسیار خشمگین هستند از این نظام و برای پیشبرد مبارزه خود از هر روشی استفاده می‌کنند. همراه با این نیز حزب دموکرات حق طبیعی خودش است که در هرجای که مورد حمله قرار بگیرد، از خود دفاع کند.

چندی پیش تعدادی از پیشمرگان به دست جمهوری اسلامی ایران افتادند، اطلاعاتی از سرنوشتشان دارید؟ شما که تصمیم گرفتید کنگره خود را بگیرید آیا هیچ تهدیدی را حس نمی‌کنید در این رابطه؟

نسبت به این پیشمرگان در حال حاضر نمی‌توانم چیزی را بگویم و طرفینی که موضوع دست آنها است بهتر می‌توانند در آینده این موضوع را روشن کنند. در مورد کنگره همچنان که گفتیم این مسئله نیز به آینده و وضعیتی بستگی دارد که رهبری حزب دموکرات طی دوران گذار در باره آن تصمیم می‌گیرد.

به نظر شما چه تغییری در سطح سیاست بین‌المللی در قبال ایران رخ خواهد داد و آیا شما برای این وضعیت خود را آماده کرده‌اید؟ همچنین بیش از دو سال است که طرفین کوردی مسئله درست کردن جبهه‌ای کوردستانی مطرح است. آیا این قدم شما ممکن است منجر به تشکیل این جبهه کوردستان شود؟

در حال حاضر نهادهی تشکیل داده‌ایم تحت عنوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران و طبیعتا اتحاد دوباره دموکرات‌ها عامل مؤثری خواهد بود که تأثیرگذاری خود را بر نیروهای سیاسی کوردستان ایران خواهد داشت و بایستی به این فکر باشیم که چگونه و به چه روشی این همکاری‌ها توسعه دهیم. به نسبت ایران در معادلات جهانی، ما بر این باوریم که نظام جمهوری اسلامی توانای حل بحران‌ها پیش رو خود را ندارد اگر برجام و توافق هم احیا شود، نمی‌تواند جوابگوی مشکلات و بحران‌های موجود باشد؛ چراکه قبل از

مشکل اتمی نیز جمهوری اسلامی همزمان با مشکلات بسیاری که با مردم ایران با دنیای بیرون نیز مشکلات فراوانی داشت و این بحران و مشکلات هم‌اکنون بیش از هر زمانی روی هم انباشته شدند.

اگر نتوانستید کنگره خود را بگیرید، آیا ترس انشقاق دوباره در حزب موجود است؟ آیا بر سر همه مسائل تصمیم قاطع را گرفتید؟ همچنین احزاب کوردستان عراق آیا نقشی در اتحاد دوباره دموکرات‌ها داشتند؟

در حال حاضر اولویت ما این است که توافقی را که کرده‌ایم عملی سازیم و فرهنگ با هم بودن را بنیان بگذاریم و فرهنگ توافق را به مبنای اداره حزب دموکرات کوردستان ایران تبدیل کنیم. مطمئنا در حزبی سیاسی همچون حزب دموکرات تفاوت دیدگاه در گذشته وجود داشته، همچنان نیز موجود است و در آینده هم خواهد بود. اما من معتقد هستم که این مسئله که گفت‌وگوها به طول انجامید، این تمرینی بود برای اینکه ما چگونه مشکلات خود را حل و فصل کنیم. برای همین است که من خوشبین هستم در کنار این خوشبینی نیز برای خود وظایفی را تعریف کردیم و استراتژی ما این است که متحد بمانیم. در جواب بخش دوم سؤالاتان هم باید بگویم که طرفین اقلیم کوردستان اکثریتشان دوست حزب دموکرات هستند و گذشته‌ای خوش و خوبی با حزب دموکرات دارند. هر چی را که دیدیم مدام نیت خیر بوده، اینجا هم لازم می‌بینم از همه آنها تشکر کنم.

این اتحاد چه تأثیری بر وضعیت سیاسی کنونی ایران دارد، خصوصا فعالیت‌هایی که در هر صورت علیه جمهوری اسلامی ایران هست؟ سوال دیگر اینکه برنامه‌ی بعدی شما بعد از این اتحاد چه خواهد بود؟

طبیعتا به لحاظ اینکه حزب دموکرات کوردستان ایران یکی از احزاب بسیار قدیمی کوردستان ایران و حتی سرتاسر ایران بوده، اصولا در تمام دوران فعالیت خودش علیه نظام پهلوی و نظام جمهوری اسلامی رابطه‌ی بسیار خوبی با سازمان‌ها و احزاب ایرانی داشته است، حداقل زنده‌یاد دکتر عبدالرحمان قاسملو به عنوان یک سیاستمدار بسیار برجسته‌ی ایرانی رابطه‌ی بسیار خوبی با اپوزیسیون ایرانی داشت. من فکر میکنم این اقدام ما از طرف سازمان‌ها و احزاب ایرانی مخالف جمهوری اسلامی به عنوان یک اقدام مثبت تعبیر شده است. انتظاراتی که از ما می‌رود این است که حزب دمکرات چگونه موقعیت و نفوذ خود در داخل ایران و صحنه‌ی بین‌المللی و رابطه‌ی بسیار خوبی که با سازمان‌ها و احزاب ایرانی دارد، را در جهت ایجاد یک وحدت یا یک جبهه‌ی ایرانی یا همانطور که قبلا اشاره کردم یک بدیل و آلترناتیو علیه نظام جمهوری اسلامی به کار خواهد گرفت. قطعا اتحاد مجدد حزب دمکرات و وظایف حزب دمکرات کوردستان ایران در آینده هم بر این متمرکز خواهد بود که چطور بتوانیم بین مردم کرد در کوردستان ایران و بقیه‌ی نقاط ایران یک رابطه‌ی خوب و قابل درک مشترک درست کرده و سنکر مبارزه علیه جمهوری اسلام را استحکام بخشیم.

شما در آینده با احزاب و جریانه‌ی سیاسی اپوزیسیون چه خواهید کرد؟ آیا رابطه‌ای با آنها خواهید داشت؟

حزب دمکرات همیشه سعی بر این داشته است که مادام بدنبال حل مسئله‌ی کورد در چهارچوب ایران هست، با تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی رابطه و درک مشترک از آینده و بنیان ایران آتی داشته باشیم. کلید اصلی چنین سازوکاری برای عبور از جمهوری اسلامی اعتقاد به دموکراسی، تمرکززدایی و قبول کثیرالملله بودن ایران و توافق بر سر تدوین یک قانون اساسی مورد پسند همگی است. تلاشهای ما در این خصوص در آینده نیز ادامه خواهند داشت.

پدیدارشناسی جهادگرایی اسلامی

(زمینه‌های ظهور جهادگرایی اسلامی)



شاهو حسینی

مقدمه:

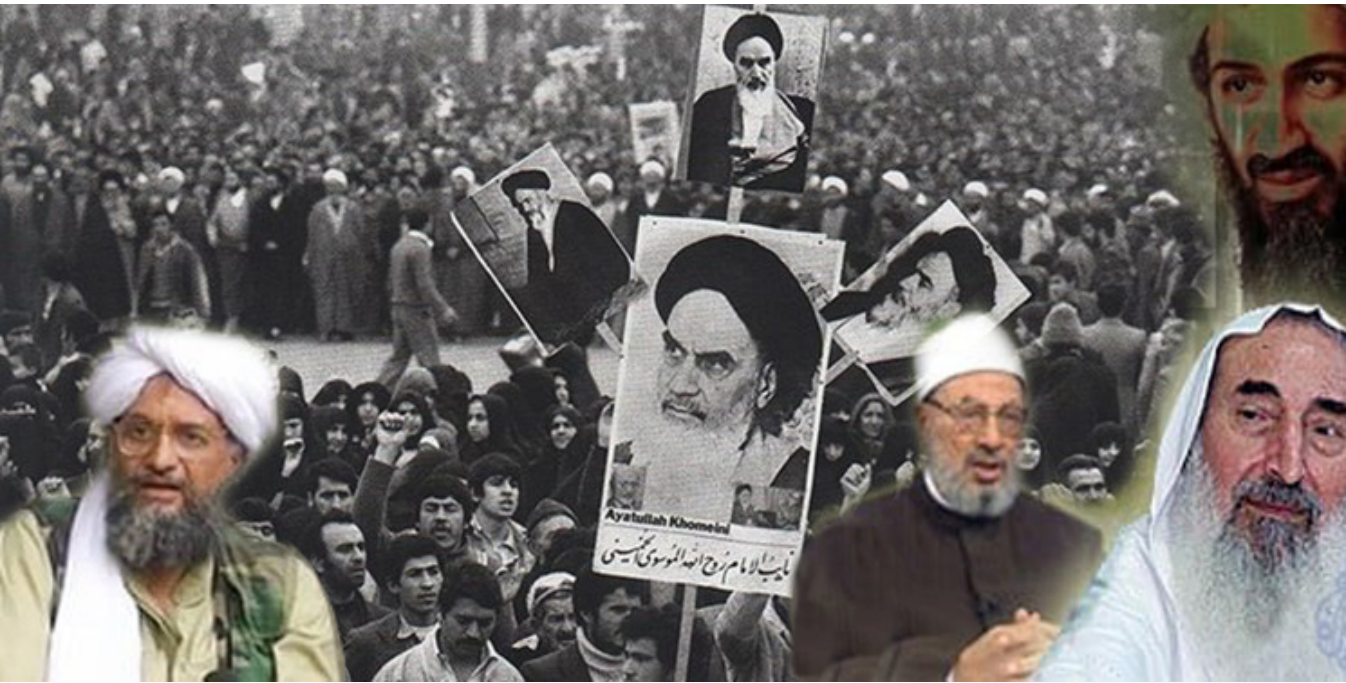
پدیدارشناسی جنبشی فلسفی مدرن است که به تحلیل و بررسی ساختار تجربه و آگاهی انسان می‌پردازد. در واقع مهمترین پدیده‌ها در نگاه پدیدارشناسی سوژه‌ها و موضوعات مرتبط به تجربه زیسته و آگاهی انسانها هستند، به عبارتی دیگر هرآنچه که انسان از کانال تجربه زیسته خویش بدان آگاهی پیدا می‌کند. در اینجا منظور از تحلیل پدیدارشناختی بررسی و شناخت پدیدارهایی است که بوسیله انسان به مثابه سوژه مورد تجربه قرار گرفته‌اند. پدیدارشناسی بخشی از جنبش فلسفی مدرن است و مدرن بودن آن به‌آن سبب است، که انسان به مثابه فاعل شناسا، مستقل و خودمختار در این روند محور اساسی فهم و آگاهی است. در تحلیل پدیدارشناختی تحلیل‌گر تلاش می‌کند از راه بررسی ساختار تجربه و آگاهی بدون قضاوت ارزشی و یا هرگونه تحلیل‌جانبدارانه پدیدارهای را تحلیل کند. بدون تردید منظور از تحلیل پدیدارشناسانه نمایان کردن معناها و تجربه‌هایی است آنگونه که انسانها زیسته‌اند. در این نوشتار تلاش می‌شود تا از دریچه تحلیل پدیدارشناسانه به تحلیل تجربه و آگاهی انسان جهادگرا پرداخته شود، و با بررسی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی علل ظهور این فرم از تجربه و آگاهی بررسی شود

ژئوپلیتیک جهادگرایی اسلامی

خاورمیانه به مثابه مترپل جهان اسلام در طول چند سده گذشته دچار بحرانهایی داخلی و بین‌المللی بزرگی شده است. تقابل این جهان که نماینده و دربردارنده فرهنگ دینی و سنتی است که تقابل با مدرنیته که جهان مسیحی مترپل و سرچشمه آن بوده صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل گشته که سقوط امپراطوری عثمانی بدون تردید غیرقابل باورترین و عظیم‌ترین صدمه‌ای بوده که جهان اسلام به خود دیده است. در خاورمیانه مصر بدون تردید نقش ویژه‌ای در ظهور بنیادگرایی اسلامی در جهان پس از جنگ اول جهانی داشته است، مصر هم متروپل بنیادگرایی اسلامی است و هم خاستگاه ناسیونالیسم عربی است، مصر محوری‌ترین کشور در میان جهان

عرب در طول تخاصم و جنگ بر سر مساله فلسطین به حساب می‌آمد. مصر از ۱۹۵۰ به‌بعد و پس از کودتای افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر حامی، محرک و سمبل ناسیونالیسم عربی بود، اما مصر از سوی دیگر محور و خاستگاه بنیادگرایی نیز بود که مهمترین و شاخص‌ترین نماینده آن اخوان‌المسلمین است، که در ادامه مصر تبدیل به خاستگاه اندیشه‌های جهادی نیز می‌گردد.

خور برای بنیادگرایان اسلامی جهت روبه‌رو شدن با وضعیت پیش‌آمده را دربرداشت. سید قطب در این کتاب معتقد است که جهان بر لبه پرتگاه قرار دارد و جهان غرب از ارزشهای لازم انسانی تهی شده است، او بازگشت به اسلام و ارزشهای اسلامی را تنها گزینه نجات می‌داند. او در این اثر تمامی جوامع را به عنوان جامعه جاهلی معنا کرده و می‌شناساند، که باید اصلاح شود و باز جامعه‌ای اسلامی جایگزین



شود. نقش محوری اصطلاح جاهلیت برای معرفی جوامع دوران قطب در واقع چرخشی رادیکال و ایدئولوژیک به سوی تقابل با نظم موجود و حاکمیت موجود سیاسی بود. او با تاکید بر ارزشهای اسلامی (به مثابه تجربه و آگاهی برآمده از بطن جامعه عربی) و تاکید بر شکست خوردن اندیشه‌های شرقی و غربی (به مثابه تجربه و آگاهیهای غیر عربی)در واقع خواستار بازگشت به خویشتن معنایی، فرهنگی و معرفتی عربی است که نمود آن در اسلام یافت می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که جهادگرایی واکنشی رادیکال به شکست پروژه دولت-ملت سازی شبه مدرن عربی در محیط سنتی و مذهبی خاورمیانه بود که در برابر چالشهای پیش رویش و از جمله مهمترین چالش که موضوع فلسطین نتوانست توقعات جامعه عربی را متقاعد کند.

ناسیونالیسم عربی که بعدها در راس امور سیاسی و اجتماعی قرار گرفت همان قرائت عربیسم از ناسیونالیسم بود، یعنی تاکید بر قومیت و مولفه‌های قومی عربی. منشاء و خاستگاه ناسیونالیسم عربی بدون تردید مصر بود که با کودتای ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ افسران آزاد تبدیل به آمال و آرزوی جنبشهای عربی دیگر در سوریه و عراق .. شد. ناصر دو سال پس از کودتا شش تن از رهبران اخوان المسلمین را اعدام کرد و هزاران تن دیگر از هوادارن و اعضای آن را به زندان انداخت. به این ترتیب شکافی عمیق میان بنیادگرایی اسلامی و ناسیونالیسم عربی شکل گرفت که بر بستر آن جهادگرایی اسلامی ظهور کرد. در ۱۹۶۶ سید قطب در زندان اعدام شد، اما اثری از خود برجا نهاد که به ایدئولوژی بنیادگرایان اسلامی برای پیکار با حکومت افسران آزاد تبدیل شد. معالم فی الطريق (نشانه‌های راه) همان منبع ایدئولوژیک بود، که پاسخی در

دو موضوع محوری که به مثابه پایه‌ها و فونداسیون بنیادگرایی اسلامی از آنها می‌توان نام برد یکی الغای خلافت در ۱۹۲۴ در ترکیه بود و دیگری مساله فلسطین و ظهور کشور اسرائیل بود که اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت تا به نظریه‌پردازی و پراکسیس سیاسی بپردازند جهت روبه‌رو شدن و حل این موضوعات. اگرچه زوال امپراطوری عثمانی زمینه را برای ظهور ناسیونالیسم عربی و کشورهای مختلف در خاورمیانه فراهم کرد، اما مدرنیزاسیون هیچ‌گاه چهره‌ای موفق و پیشرو در خاورمیانه نتوانست پیدا کند. در واقع اگر مدرنیته غربی استوار بر پایه سوپژکتیویسم و محوریت استقلال فرد بود، مدرنیزاسیون در خاورمیانه به صورت فرمالیته و تقلید از مظاهر غرب در غیاب مبانی نظری و اپیستمه مدرن مبتنی بر فرهنگ دینی و اسلامی با محوریت نگاه ایژکتیو به فرد ظهور کرد.

معادله نظم حقوقی از طریق تعریف هزینه



کاوه آهنگری

اسلامی نمی‌گویم اما از وادار کردن این رژیم ناقض حقوق بشر می‌گویم. استدلال من این است که اسقاط نظام جمهوری اسلامی یک پروژه است که یک پروسه زمانی رخ خواهد داد و وظیفه هر آزادیخواهی کمک به کوتاه‌کردن این بازه زمانی از طریق تسریع در اجرای این پروژه (اسقاط رژیم) است. به همین دلیل وادار کردن رژیم تهران یکی از راههای کمک به ساقط کردن نظام در نهایت است.

پس با این اوصاف بهتر است که مخالفین رژیم (ایرانی) و مدافعان حقوق بشر در سطح بین‌الملل (حقیقی و حقوقی) هزینه تخطی و بهم زدن معادله نظم را برای رژیم جمهوری اسلامی تعریف و بر آن تحمیل کنند. بعنوان نمونه تحریمهای ایالات متحده آمریکا تحت عنوان فشار حداکثری یکی از راههای ملزم کردن جمهوری اسلامی به رعایت معادله نظم حقوق بشری در سطح داخلی و بین المللی است. شاید این فشار نتواند به تنهایی نقش فاکتور نهایی در تامین هدف ما را تامین کند اما بدون تردید بی‌تاثیر هم

جمهوری اسلامی دارای یک دیدگاه و جهانبینی ایدئولوژیک- سیاسی ویژه و فرا زمینی آنهم در جهت تامین مقاصد یک ویژن خاص است، احتمال ماندن بر سر نظم حقوقی بین المللی و التزام عملی به آن بسیار ضعیف است. نمونه‌های دیگری از عدم التزام به حقوق بشر حتی در خارج از مرزهای رسمی ایران، ربودن روح الله زم، روزنامه‌نگار ایرانی و در نهایت اعدام وی، ترور قادر قادری و موسی باباخانی از کوادر رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران در عراق، تلاش برای ترور مسیح علینژاد، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان ایران مقیم آمریکا و دهها مورد دیگر از نقض حق که از سوی جمهوری اسلامی بی‌محابا در حال اجراست.

حال پرسش اساسی این است که چه باید کرد؟ به باور من جمهوری اسلامی را باید به نوعی دیگر و از راهی دیگر ملزم به رعایت نظم جهانی کرد. شاید این به نظر برخیا کمی عجیب به نظر رسد و این نقد وارد گردد که چرا من از نماندن جمهوری

خود به سبک یک نویسنده بود. پس آنچه که معادله نظم در زندگی وی را به هم زد، فتوای قتل خمینی یا به تعبیری درستتر، خود آیت ا. خمینی بود. اعمال جمهوری اسلامی که ناشی از زاویه دید و جهان بینی سران آن است، به وفور معادله نظم حقوقی در سطح ایران، منطقه وجهان را نه تنها خدشه‌دار کرده است بلکه حتی آن را به وضوح نقض کرده است. نمونه دیگر ترور رهبران کورد، دکتر عبدالرحمن قاسملو و یارانش در وین پایتخت اتریش و دکتر صادق شرفکندی و یارانش در برلین پایتخت آلمان است. خوشبختانه با پیگیری و شهامت حقوقی- اخلاقی نظام داد آلمان، جرم انجام گرفته توسط جمهوری اسلامی در دادگاه برلین که به دادگاه میکنونوس معروف گشت، معلوم و سرانجام این دادگاه طولانی توانست تا حدودی به برگرداندن و ترمیم معادله نظم حقوقی تعریف شده در سطح جهان بطور عموم و اروپا بویژه، کمک کند. اما همچنانکه که ذکر شد، بدلیل اینکه

بر این باورم که معادله نظم در جهان از طریق تعریف هزینه بهتر برقرار خواهد شد. اجازه بدهید با یک مثال فرضیه‌ام را معرفی کنم. جمهوری اسلامی یا بهتر بگویم که بنیانگذار آن، آیت ا. خمینی، برای سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی فتوای قتل صادر کرد و اگر خود وی هم در عمل به قتل رساندن سلمان راشدی هیچ دخالت عملی نداشته است، ولی بدلیل اینکه فتوای وی مبنای حرکت فرد یا افرادی برای به قتل رساندن این نویسنده شده است، پس خمینی را می‌توان بعنوان آمر قتل یا تلاش برای قتل رشدی بحساب آورد. اینجا مهم به قتل رسیدن یا نرسیدن سلمان رشدی نیست بلکه آنچه‌که مد نظر من است، تغییر نظم و یا تلاش برای برهم زدن معادله نظم حقوقی است که خمینی از طریق فتوای خود توانست به این هدف برسد. سلمان رشدی تا قبل از فتوای خمینی، دارای یک زندگی عادی و استاندارد بعنوان شهروندی در این جهان و سپری کردن عمر

زمینه‌های نظری جهادگرایی اسلامی سید قطب پس از بحث از مفاهیم در کتاب نشانه‌های راه (ماعلم فی الطريق) و مشخص کردن دو نوع جامعه جاهلی و اسلامی، به ارائه راه حل از میان برداشتن جامعه جاهلی می‌پردازد. او معتقد است که زمان عمل فرارسیده و با عمل به قرآن و بازگشت به قرآن از طریق یک انقلاب واقعی می‌توان بر خرابه‌های جامعه جاهلی جامعه اسلامی را بنیان نهاد. او در اثر ایدئولوژیک خود تمامی جوامع موجود حتی مصر را با نام جامعه جاهلی معرفی کرد، همچنین ضرورت اقدام عملی و انقلاب را نشان داد و سیاس بازگشت به قرآن را به مثابه سرچشمه نظری آشکار کرد.

بدون شک اندیشه و تفکرات نه کلمات بی‌معنی که الگوهای تصویری و تجربیات زیسته هر فرد و جامعه‌ای هستند که به مثابه شبکه‌های قدرتمندی از نمادها، الگوهای ویژه‌ای از تفسیر و تحلیل انسان، جهان و اجتماع ارائه می‌دهند. آنها نه تنها جهان اجتماعی و فرهنگی که جهان سیاسی را نیز فرم می‌دهند، در واقع اندیشه‌ها به مثابه تجربیات زیسته و فرمی از آگاهی در برگیرنده معانی و تفسیراتی از جوامع بشری و جهان است که موجد فرم خاصی از کنش و ساختار سیاسی می‌گردد. به همین دلیل است که اندیشه اسلامی، ساختار آگاهی و تجربیات نظری زیسته توسط فرم مسلمان و جامعه اسلامی دربرگیرنده نوعی از اعتقاد به در جهان بودگی و موقعیت فرد مسلمان در جهان است که با نوع غربی و مدرن آن کاملاً متفاوت است. اگر در غرب در روند شکل‌گیری مدرنیته دین عقلانی می‌گردد به مدد اعتماد به عقل و استقلال انسان از خدایی فرا زمینی، در اندیشه اسلامی تلاش می‌گردد که عقل اسلامی و وحیانی شده و این موجد عدم استقلال، وابستگی فرد، حبس در جهان صغیری می‌گردد. جامعه اسلامی به مثابه جامعه‌ای در نقطه مقابل جامعه جاهلی در برگیرنده فرد مطیع، مومن، متشروع و دشمن مدرنیته است. در واقع جهادگرایی دغدغه رادیکالیزه شده فرد و جامعه سنتی است که مدرنیزاسیون و غرب فرهنگی و معرفتی را به مثابه قدرت ویرانگر سلطه و هژمونی خود قلمداد کرده و به تقابل خونین با آن برآمده است. جهادگرایی از راه بازگشت به آن خویشتن اسلامی در صدد حفظ دوباره سلطه و هژمونی مردسالارانه خود است.

نموده است. دلیل ادامه رهیافت ضدبشری جمهوری اسلامی در سطح جهانی بطور عموم و داخلی و منطقه‌ای بطور ویژه، عدم فعال بودن دیگر مکانیزمهای تعریف هزینه برای جمهوری اسلامی از سوی مخالفان داخلی و منطقه‌ای ست. هرچند در این میان دولت اسرائیل تا حدودی توانسته است در این مسیر چند گام از دیگران جلوتر باشد اما به باور من، باز این کافی نیست. در نهایت باید گفت که جمهوری اسلامی را باید با تعریف هزینه در حالات و از طرق مختلف، حداقل در این مرحله از پروژه اسقاط نظام، وادار به التزام عملی به معادله نظم کنیم. با این توضیح روشن حقوقی که، دفاع حق مشروع است در هر شکل و با هر سطحی از پیامد.

اتحاد و ترقی

پژمان شریعتی

نظریات علمی مختلف به‌خصوص علوم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... به‌طور مداوم بر این تأکید دارند که جوامع بر اساس معیار داخلی، منطقه‌ای و جیهانی نیازمند به اتحاد هستند، در واقع این فرم حیات اجتماعی مخصوص جهان مدرن است. وحدت نیرو، اندیشه و خط مشی ایجاد کرده و طی آن افراد در خدمت به جامعه‌ی نقش مؤثر ایفا می‌کنند. این درست و به‌جای خود که ممکن است وحدت در بین گروه‌ها و سازمان‌های مخرب مانند گروه‌های بزهکار و تروریستی، مافیایی و دیکتاتوری شکل بگیرد، اما در عموم وحدت بیشتر از دیدگاهی پوزیویستی ارزیابی گشته و برای هدفی برحق و روا به آن پاسخ داده می‌شود. در فرهنگ ملت کورد به‌خصوص از آن زمان که میهن کوردستان توسط متجاوزان این مرزوبوم اشغال شده است مردم، رهبران و روشنفکران این ملت همواره و پیوسته به این پرداخته‌اند که نقطه‌ی ثقل کامیابی و موفقیت کورد اتحاد است. یا به عبارتی دیگر عقیده‌ی مردم بر این است که "متحد نیستند برای همین هم پیروز نمی‌شوند". این سخن در میان مردم رواج دارد و احتمالا از منظری ساده به آن نگاه می‌شود. اما این بخشی از واقعیت درونی جامعه‌ی کوردستان است و از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، دلایلی بسیاری وجود دارد که سبب این یاس و درماندگی شده و تکرار آن طوری است که در ذهن افراد جامعه‌ی کوردستان نهادینه می‌گردد.

عامل اصلی در این نوع دیدگاه در رابطه با ملت کورد و آینده‌اش، به سیاست، سلطه و دسیسه‌های رژیم اشغالگر باز می‌گردد که درصدد است به‌طور مداوم با افتراق و ایجاد دودستگی، چند پارگی و انشعاب در جامعه‌ی کوردستان، لهجه، آئین و خط فکری، سیاسی، اراده‌ی عمومی و نیروی ملی را از جامعه‌ی کوردستان بگیرند. در این میان نوک پیکان بخش عظیمی از این تبلیغات و دسیسه‌چینی‌ها علیه احزاب کوردستان بوده و در مقابل نیز بخش بسیاری از جامعه به‌مثابه نیروی میهن‌پرست این انتظار را از احزاب کوردستانی دارند که هم به‌عنوان جریان سیاسی با یکدیگر متحد شده و هم سعی بر آن داشته باشند که جامعه را همبسته و دارای انسجام کنند.

حزبی همچون حزب دموکرات کوردستان ایران که پیشرو مبارزه‌ی دموکراتیک کوردستان ایران است، طی ۷۷ سال تلاش و فعالیت خود افتخارات و دستاوردهای بسیاری برای ملت خود به ارمغان آورده است و این خود برآیند مبارزاتی جریانی است که برآمده از بطن جامعه‌ی کوردستان می‌باشد. از همین روی انتظارات عموم از این حزب بسیار است. این حزب مسئولیت خطیر ملی را بر عهده دارد که خوشبختانه دوباره با کسب اتحاد مجدد و رقام زدن این پیروزی ثابت کرد که به اصول دموکراسی و کار سازمانی معتقد بوده و از نظر وی منافع ملی در صدر تمامی بحث و موضوعات مربوط به حزب دموکرات کوردستان ایران است.

این اتحاد طرفین دموکرات، جدا از مسئولیت‌پذیری، دستاورد مهمی هم برای ملت کورد در کوردستان ایران به‌خصوص مناطق و مردم بخش‌های جنوبی کوردستان ایران دارد. زیرا حزب متحد دموکرات با بکارگیری نیرو و تواناییش، مانع از پراکندگی نیرو و چند دستگی نواحی کوردستان ایران می‌شود.

از طرفی دیگر در جریان رشد جامعه و گذار از جامعه‌ی مکانیکی که مؤلفه‌هایش تنها عشیره، مذهب و... است به‌سوی جامعه‌ای ارگانیک که مؤلفه‌های آن منافع همگانی، وظایف و توانایی‌ها می‌باشد، تأثیرگذاری حزب دموکرات چه در ساختار حزبی و چه در ساختار اجتماعی حائز اهمیت ویژه است. یعنی حزب دموکرات کوردستان ایران از انتگرال کردن جامعه‌ی کوردستان می‌تواند به نیروی مؤثری تبدیل گشته و مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه را ارتقاء دهد که تاکنون این امر در کوردستان ایران تجربه نشده است. به‌خصوص که اینک خطوط قرمز ملی، دموکراسی و منافع کلی به معیار اصلی مبدل گشته‌اند، پذیرش این امر در کوردستان علی‌الخصوص مناطق جنوب کوردستان بازتاب گسترده‌ای داشته و به بخشی از باور عمیق مردم تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر این پذیرش توان بیشتری به حزب دموکرات بخشیده تا به نیروی توانمند که هیچ اشغالگری نتواند در مقابل آزادی‌خواهی و حقوق ملی مانع شود تبدیل می‌شود. این هم نیازمند خوانش دقیق‌تر و اتخاذ تصمیماتی همه جانبه است تا جریانی سیاسی بتواند گفت‌مان و برنامه‌هایش را فراگیر که با اطمینان، در ارزیابی میان جریان‌های سیاسی جنبش کورد، حزب دموکرات در صدر تمامی آنان است. بدین معنا توان بسط و همگانی ساختن گفت‌مان در حزب دموکرات بسیار است.

زمانی که افراد و جامعه احساس می‌کنند که بخشی از این جریان هستند و آینده‌شان به این گره خورده با اطمینان به هدف نزدیکتراند و موفقیت را به انجام می‌رسانند. برای همین حزب دموکرات این خوانش و دیدگاه را به خوبی درک کرده و در عمل میدان مبارزه کورداپیتی را گسترش داده و گذار به سوی جامعه‌ای ارگانیک مدرن که منافع ملی در صدر آن قرار دارد را تداوم می‌بخشد.

اهمیت اتحاد بازیافته حزب دموکرات کوردستان ایران در چیست؟



د. آسو حسن‌زاده

همه هزینه‌ای که کرده‌ای ایران در راه آزادی و دموکراسی پرداخت کرده‌اند و علیرغم رویکردهای روی‌هم‌رفته متعادل و مسالمت‌آمیزی که جریانات سیاسی آنها در پیش گرفته‌اند، عدم توجه جامعه سیاسی ایران به جوهر اصلی مسئله کوردستان، رفته‌رفته برخی از نخبه‌های سیاسی کنونی و نسل‌های آتی کوردستان را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که اگر قرار باشد نگاه و تعامل حاکمیت و جامعه سیاسی ایران به مسئله کوردستان همانی باشد که تا کنون بوده است، شاید آنها دیگر خود را با اصل تمامیت ارضی مقید نکرده و به فکر سیاست‌ورزی عملی بر اساس حق تعیین سرنوشت باشند.

بنابراین، اپوزیسیون ایرانی و مایه‌های حاکمیت آینده ایران باید متوجه این واقعیت باشند که اگر واقعا دغدغه همزیستی مسالمت‌آمیز در ایران آینده را در سر دارند، شریک و مخاطب قوی‌تر و معقول‌تری از حزب دموکرات کوردستان ایران را نخواهند یافت.

حزب دموکرات کوردستان ایران در طول هفت دهه و نیم گذشته با اینکه آماج خشن‌ترین اشکال یورش و سرکوب از طرف هر دو نظام حاکم پی‌درپی در ایران بوده است، قدیمی‌ترین جریان سیاسی در ایران است که کماکان در میدان اصلی مبارزه باقی مانده است، پایگاه مردمی وسیع و آشکاری دارد و در سطح خارجی هم از همه جریانات اپوزیسیون ایرانی بیشتر دارای اعتبار و روابط است.

از طرف دیگر، این حزب باوجود نفوذ و توانی که دارد و علیرغم ستمی که بر آن و بر مردمش روا شده است، همچنان بر سیاست و رویکردهای معقول و دموکرات‌منشانه خود مصر است. مبرهن است که اتحاد دوباره حزب دموکرات برای خود این حزب هم خالی از چالش نیست. رهبران از این پس این حزب صرف‌نظر از اینکه باید حفظ هرچه بهتر این دستاورد را در تعمیق هرچه بیشتر آن ببینند، می‌بایست مفیدترین سنتز را از ظرفیت‌سازی‌های سیاسی و تشکیلاتی پیشین دو طرف ارائه داده و به اجرا بگذارند و به مشارکت نیروی جوان و زنان و انعکاس تنوعات سنتی یا به تازگی سردرآورده جامعه کوردستان در اداره و



با اتحاد نیرو و ظرفیت‌های مبارزاتی دیرین و تازه‌ای که در داخل حزب دموکرات و حول این حزب گرد آمده، نقش محوری حزب دموکرات در جنبش سیاسی کردها در ایران از نو برجسته شده و قابلیت این را دارد که مجموع رفتار سیاسی کردها در ایران را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

و عملی اتحاد دوباره حزب دموکرات می‌تواند بر صف‌آرایی و کنش و واکنش‌های آتی در فرآیند خواهان تغییر در کوردستان و حتی در ایران تأثیر بگذارد. با اتحاد نیرو و ظرفیت‌های مبارزاتی دیرین و تازه‌ای که در داخل حزب دموکرات و حول این حزب گرد آمده، نقش محوری حزب دموکرات در جنبش سیاسی کردها در ایران از نو برجسته شده و قابلیت این را دارد که مجموع رفتار سیاسی کردها در ایران را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

با درنظرگرفتن روابط حسنه میان حزب دموکرات کوردستان ایران و سایر جریانات سیاسی کوردستان ایران مخصوصا کومله‌ها و اینکه هر دو حزب دموکرات پیشین ضمن برخورداری از نیروی پیشمرگ، از پایگاه مردمی قوی برخوردار بودند، و نیز نگاه مثبت و کارایی به حوزه مردم و فعالان مدنی در داخل کشور داشتند، اتحاد دوباره حزب دموکرات می‌تواند برای کردها در ایران به طور رسمی یا در عمل باعث ایجاد یک مرکزیت جدید سیاسی با سازوکارهای مبارزاتی توانمند و فراگیر شود.

پس از چندین دوره گفت‌وگو و فراز و نشیب‌های بسیار، روند اتحاد دوباره حزب دموکرات کوردستان و حزب دموکرات کوردستان ایران به نتیجه نهایی رسید و بعد از ظهر یکشنبه (۳۰ مرداد) در شهر کویسنج اعلام شد.

بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که با ذهنیت توافق و توازن تنظیم شده است، دو حزب از این پس در چارچوب یک حزب واحد تحت عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران که تا برگزاری کنگره از طرف یک رهبری انتقالی مشترک اداره می‌شود، به مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای دستیابی به حقوق مردم کوردستان ایران ادامه خواهند داد. اتحاد بازیافته حزب دموکرات کوردستان ایران به شکافی سازمانی پایان می‌دهد که نزدیک به ۱۶ سال پیش (در دسامبر ۲۰۰۶) اتفاق افتاده بود.

این انشقاق با اینکه مهم‌ترین انشقاق تاریخ این حزب محسوب می‌شود، بیشتر حاصل یک بحران تشکیلاتی و مدیریتی بود تا اختلافات سیاسی و راهبردی. در طول مدت بیش از یک دهه و نیم فعالیت جداگانه دو حزب و باوجود برخی رویکردهای مبارزاتی و تشکیلاتی متفاوت، دو جریان در کسوت ادامه‌دهنده تاریخ حزب دموکرات و با تکیه بر همان میراث نمادی (مخصوصا جمهوری کوردستان و رهبران آن قاضی محمد، عبدالرحمن قاسملو و صادق شرفکندی) و با پیروی از همان استراتژی کلان سیاسی (حل مسئله کرد در چارچوب ایران) به فعالیت خود ادامه دادند.

روند عادی‌سازی روابط دو جریان و گفت‌وگوهای اتحاد دوباره با فاصله‌ای نه چندان دور از انشعاب شروع شده بود و در سال‌های گذشته هر دو حزب در بعضی محافل خارجی و ایرانی (همچون انترناسیونال سوسیالیست و برخی ائتلاف‌های اپوزیسیون ایرانی) در کنار هم شرکت داشتند و در مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران نیز با هم هماهنگی می‌کردند.

واقعیت وجود دو حزب دموکرات آنقدر به درازا کشید که در چیدمان سیاسی کوردستان و اپوزیسیون ایرانی کاملاً جا افتاده بود. اما نه مردم کوردستان هرگز این دوگانگی را قبول کردند و نه رهبران دو حزب هیچگاه از ضرورت اتحاد دوباره غافل ماندند.

جایگاه تاریخی حزب دموکرات در جنبش هویت‌طلبانه کرد و محبوبیت این حزب در میان مردم کوردستان ایران به اندازه‌ای است که همزمان با انتشار خبر به ثمر رسیدن تلاش‌های دو حزب برای ادغام دوباره، موجی از شادی کوردستان را فرا گرفت. در زمان اندکی که از اعلام اتحاد مجدد دو حزب می‌گذرد، استقبال مردم کوردستان و ناخرسندی جمهوری اسلامی به‌نحوی است که وضعیتی کاملاً غیرعادی بر شهر و روستاهای کوردستان ایران حاکم است.

اتحاد دوباره حزب دموکرات کوردستان و حزب دموکرات کوردستان ایران یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی مربوط به کوردستان ایران در دو دهه گذشته تلقی می‌شود. اهمیت این رویداد فقط در این نیست که بدینگونه یک سری مشکلات و مناقشات داخل تئاتر مبارزه کردهای ایران که هیچ ربطی به امر مبارزه نداشتند و به آن لطمه می‌زدند، حل و فصل می‌شود. بلکه به لحاظ ذهنی

چنین امری به رؤیت بیشتر نیروی بالفعل و جهان‌بینی سیاسی کردهای ایران در سه بعد کمک می‌کند: رو به بخش‌های دیگر کوردستان که بعضی از جریانات‌شان سعی بر نفوذ و مداخله در کوردستان ایران دارند؛ رو به جامعه سیاسی ایران که هنوز دارای نگاه یکدست و مطلوبی در قبال خواسته‌های مردم کوردستان نیست؛ و رو به جامعه بین‌الملل که به دلیل پراکندگی و عدم اتحاد اپوزیسیون ایرانی هنوز جریانات مخالف جمهوری اسلامی و مردم ایران را در محاسبات مربوط به نحوه‌ی تعامل با رژیم و آینده‌ی این کشور دخیل نمی‌کند.

اتحاد دوباره حزب دموکرات با اینکه به درجه اول در راستای پا نهادن کارزار مبارزاتی مردم کوردستان به مرحله بهتری صورت گرفته، برای اپوزیسیون ازهم گسسته ایرانی هم حامل پیام اتحاد و همگرایی است. در عین حال، این اتحاد بازیافته به دلیل اینکه می‌تواند تشکیل یک قطب سیاسی منسجم و پاینده برای کردها در ایران را در پی داشته باشد، مخصوصا در حوزه ملیت‌ها و خواسته‌های هویت‌محور که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده آینده همزیستی در ایران است، برای جامعه سیاسی ایران اعم از حاکمیت و اپوزیسیون چالش‌آفرین خواهد بود.

مهم‌ترین چالش را نباید در کوتاه‌مدت و در یکی شدن ظرفیت‌های عملی مبارزه مردم کوردستان جست، بلکه باید در درازمدت و در حوزه سیاسی و گفت‌مانی به دنبال آن گشت. به طور مشخص، ۷۷ سال پس از تأسیس حزب دموکرات کوردستان، با

اتحاد دوباره حزب دموکرات با اینکه به درجه اول در راستای پا نهادن کارزار مبارزاتی مردم کوردستان به مرحله بهتری صورت گرفته، برای اپوزیسیون ازهم گسسته ایرانی هم حامل پیام اتحاد و همگرایی است. در عین حال، این اتحاد بازیافته به دلیل اینکه می‌تواند تشکیل یک قطب سیاسی منسجم و پاینده برای کردها در ایران را در پی داشته باشد، مخصوصا در حوزه ملیت‌ها و خواسته‌های هویت‌محور که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده آینده همزیستی در ایران است، برای جامعه سیاسی ایران اعم از حاکمیت و اپوزیسیون چالش‌آفرین خواهد بود

سیاست‌های خود بیشتر توجه کنند. از دیگر جهت و از همه مهم‌تر، با در نظرگرفتن محدودیت‌های ناشی از وجود رهبریت حزب دموکرات کوردستان در عمق اقلیم کوردستان عراق و نقش مخرب جمهوری اسلامی در منطقه، بجاست ساختار و عملکرد حزب دموکرات به شکلی بازسازی شود که مبارزه از این پس این حزب و به طور کل کردهای ایران در همه بسترها به صورت هماهنگ‌تر، میدانی‌تر و اثربخش‌تری به‌پیش برود. فراتر از اینها، اگرچه اتحاد دوباره صفوف حزب دموکرات گام بزرگی است، گام بزرگتر اتحاد بیشتر جنبش سیاسی کرد در ایران و دستیابی به همگرایی‌هایی در سطح اپوزیسیون ایران است که هردو مهم دموکراسی و حقوق ملیت‌ها را توأمان در نظر داشته باشد.

اتحاد بازیافته حزب دموکرات، نشان از بلوغ و حس مسئولیت رهبران و اعضای این خانواده سیاسی دارد و نویدبخش فصل جدید و باروری از حرکت تغییرخواهانه مردم کوردستان و ایران است. همه آنهایی که در انتظار چنین فصلی بودند باید از اتحاد دوباره حزب دموکرات کوردستان ایران و از اینکه جریان سیاسی چنان متین و با قدمتی دوباره قوت بگیرد، خوشحال باشند.

بلز پاسکال می‌گوید: «هر کثرتی که به اتحاد نیانجامد درهم برهمی به بار می‌آورد، و هر اتحادی که بر کثرت اتکا نکند، استبداد به بار می‌آورد». بگذار این گفته سرمشق آتی دموکرات‌ها و آزادخواهان در کوردستان و ایران باشد.

۲۱ شهریور و تعهد ملی



رحمان سلیمی

در تاریخ مبارزات ملت کورد در راستای تحقق حقوق سیاسی و ملی در شرق کردستان، رخدادهای زیادی میتوان یافت که حاوی پیامی واضح و حامل معنایی ویژه هستند. با نگاهی به روزشمار این تاریخ، به حوادثی برمیکوریم که از سویی به بخشی از حافظه جمعی مردم کوردستان بدل شده و از سوی دیگر همچون میراثی غنی طی مراحل مختلف مبارزه، روح مقاومت را در کالبد جنبش آزادیخواه و رهایی طلب کوردستان دمیده است. چه بسا رخدادهای تاریخی که مؤید این واقعیتند که جنبش کرد در ایران در آزمودن طرق مختلف مبارزه و مقاومت علیه دشمنان حقوق و آزادیهای ملت کورد، راهی طولانی پیموده است.

با وجود اینکه لحظات تاریخی فراموش نشدنی بسیاری در قرن گذشته در راستای تقویت هویت ملی کوردها ثبت شده‌اند، ولی در این مقاله کوتاه تنها اشاره‌ای کوتاه به مهمترین رخدادهای پس از انقلاب ۵۷ و بویژه اعتصاب فراگیر و گسترده مردم کردستان در ۲۱ شهریور سال ۱۳۹۷ خواهیم داشت.

اعتصاب معنادار ۲۱شهریور، با به تصویر کشیدن سیمایی هویت خواهانه و البته در راستای تخطیط مرزهای ملی و موضعگیری در برابر دیگری، در پی اثبات این واقعیت برآمد که ملت کورد دارای مطالبه‌ای ملی و پتانسیلی در حال گسترش جهت دستیابی به این مطالبه است. در واقع این اعتصاب، امتداد فرهنگ نهادینه شده مردم کوردستان بود که در مناسبتهای مختلف و برای موضوعات متفاوت به منصفه ظهور رسانده است.

از همان آغاز قدرت گیری جمهوری اسلامی و آشکار شدن خواست خمینی و اطرافیانش مبنی بر سرکوب ملت کورد و پایمال کردن حقوق بنیادین انسانی و قانونی این ملت، شاهد ظهور مقاومت ملت کورد در برابر زیاده‌خواهیهای رژیم در اقضا نقاط کوردستان بودیم. همبستگی ملی کوردها در مناطق مختلف کوردستان که برآمده از جنبش حق‌طلبانه و قیامهای ملت کورد بود، چنان ویژگی‌ای به کوردستان داده بود که در دیگر مناطق ایران و حتی در بین سایر ملل تحت ستم ایران قابل ردیابی نبود. تثبیت فرهنگ تحزب و فعالیتهای سازمانی، محصول خودآگاهی ملی و حق طلبانه طبقات و اصناف مختلف جامعه کوردستان بود و همین واقعیت، کوردستان را در سالهای آغازین انقلاب ۵۷ به سنگر آزادیخواهی در ایران بدل کرده بود.

ملت کورد باوجود تبعیض سیستماتیک، سرکوب گسترده توسط رژیمهای شاهنشاهی و جمهوری اسلامی، تحمیل فضای سنگین میلیتاریستی بر کوردستان و در عین حال عدم وجود حامی و پشتیبان در معادلات منطقه‌ای و بین المللی و تنها با اتکا به ارزشهای نهادینه شده ملی و انسانی، استاندارد بالایی از بسیج ملی را در مراحل مختلف به نمایش گذاشته است. اهمیت این بسیج ملی صلح طلبانه زمانی بیشتر آشکار میشود که به این واقعیت واقف باشیم که در تاریخ معاصر ایران همواره رژیمهای دیکتاتور بر ایران حکومت کرده و در فضای اختناق سیاسی عملا فرصتی برای ظهور و بروز فعالیتهای سیاسی و سازمانی وجود نداشته است.

مهاجرت تاریخی مردم مریوان در اوایل قدرت گیری جمهوری اسلامی بعنوان موضعی انقلابی علیه حملات تعرض آمیز و اشغالگرانه به کوردستان، عدم مشارکت همه‌جانبه ی مردم کوردستان در رفتارندوم کذایی و تمسخرآمیز خمینی جهت تعیین نظام سیاسی آتی ایران، موضعگیری در برابر ترور رهبران ملت کورد و حزب دمکرات با وجود تحمیل فشای پلیسی و ترس و خفقان و ... و بالاخره اعتصاب شکوهمند ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ را میتوان از مصادیق بارز توسعه سیاسی در شرق کوردستان برشمرد. جهت دهی اراده جمعی و تعهد مردم در برابر مسائل سیاسی و اجتماعی بعنوان پارادایم اصلی توسعه سیاسی، از ویژگیهای بارز جنبش کورد به شمار میروند. نهادمندی جامعه

ملت کورد با وجود تبعیض سیستماتیک، سرکوب گسترده توسط رژیمهای

شاهنشاهی و جمهوری اسلامی، تحمیل فضای سنگین میلیتاریستی بر کوردستان و در

عین حال عدم وجود حامی و پشتیبان در معادلات منطقه‌ای و بین المللی و تنها با اتکا

به ارزشهای نهادینه شده ملی و انسانی، استاندارد بالایی از بسیج ملی را در مراحل

مختلف به نمایش گذاشته است. اهمیت این بسیج ملی صلح طلبانه زمانی بیشتر آشکار

میشود که به این واقعیت واقف باشیم که در تاریخ معاصر ایران همواره رژیمهای

دیکتاتور بر ایران حکومت کرده و در فضای اختناق سیاسی عملا فرصتی برای ظهور

و بروز فعالیتهای سیاسی و سازمانی وجود نداشته است.



کوردستان از طریق سازماندهی اقشار مختلف همچون دانشجویان، معلمان، مدافعان محیط زیست و ... بستری مناسب جهت برگزاری اعتصابات و اعتراضات مدنی و غالبا رادیکال فراهم کرده است. نباید فراموش کرد کلیه مطالبات صنفی مردم با تم قدرتمند ملی و سیاسی عجین شده و همین مهم، بسیج سریع توده‌های مردم برای شکلگیری اعتراضات را ممکن کرده است. این اعتراضات یا از جانب جریانات سیاسی مؤثر کوردستان مدیریت و رهبری میشوند و یا خود مردم بصورت خودجوش ابتکار عمل را در دست میگیرند.

اعتصاب ۲۱ شهریور ۹۷ اعتصابی فراگیر بود که مردم کوردستان در پاسخ به حمله موشکی به قلعه دمکرات و اعدام ۳ فعال سیاسی کورد – که در تاریخ ۱۷ شهریور توسط سپاه پاسداران انجام شد – در حمایت و پشتیبانی از فرزندان خود و البته در دفاع از قضیه سیاسی و ملی خود علیه حاکمیت کوردستیز تهران فریاد سردادند. تحلیل و تفسیر و انگشت گذاشتن بر ابعاد مختلف این اعتصاب و کسب تجربه از ین و در عین حال یادآوری پیوسته آن در محافل و مجامع داخلی و بین المللی میتواند نقش مهمی در آینده جنبش سیاسی ملت کورد و پیشبرد آن ایفا کند. این اعتصاب گسترده حاوی پیامها و دلالتهای مهمی بود که میتوان از آن بعنوان میراث معنوی مهم در مراحل آتی جنبش مردم کوردستان به آن اتکا نمود.

جنایت ضدانسانی حمله موشکی به قلعه دمکرات و شهادت ۱۶ تن از رهبران و کادر و پیشمرگان حزب دمکرات توسط سپاه تروریستی پاسداران، منجر به بروز شرایط اضطراری در کوردستان گردید. گستردگی و کم نظیر بودن این جنایت بویژه در شرایطی که رهبران نظام به زعم خود جریانات مبارز و انقلابی کوردستان و بویژه حزب دموکرات را منزوی و منخلة قلمداد کرده و ادعا میکردند روح مقاومت در کوردستان به خاموشی گراییده است، منجر به برانگیختن افکار عمومی شده و حماسه ۲۱ شهریور را آفرید. سپاه پاسداران بعنوان مجری این جنایت ضد انسانی – که نقض آشکار قواعد اساسی قوانین بین المللی بود – قصد داشت با از میان برداشتن رهبران حزب دمکرات ادعای خود مبنی بر انحلال کامل حزب دمکرات و به تاریخ سپرده شدن آن را ثابت کند. در حالیکه غافل از این واقعیت بودند که ریشه‌دار بودن حزب دمکرات در میان مردم شرق کردستان بعنوان صاحبان اصلی و مؤسسان این حزب و غنای فرهنگ حق طلبی و انقلابی مردم، همواره زمینه نآسودگی خاطر رهبران تهران را در خود نهفته داراست. این اعتصاب حامل پیام انفکاک ناپذیری حزب دمکرات و ملت کورد در شرق کوردستان بود. نباید فراموش کرد که این اعتصاب در پی فراخوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران و البته فعالان سیاسی و مدنی در داخل کوردستان اتفاق افتاد.

جمهوری اسلامی بویژه در دو دهه گذشته تلاش

کرده به افکار عمومی در داخل و خارج ایران این مساله را القا کند که کوردها در ایران تحت سلطه آنها، هیچ مشکلی نداشته و این ایادی دشمنان خارجی ایران است که قصد دارند وانمود کنند که جمهوری اسلامی قادر به تحمیل هژمونی خود بر مناطق کوردنشین نیست و حتی فراتر از آن خود را حامی و پشتیبان کوردهای دیگر بخشهای کوردستان نیزمعرفی میکنند.

اعتصاب معنادار ۲۱ شهریور، با به تصویر کشیدن سیمایی هویت خواهانه و البته در راستای تخطیط مرزهای ملی و موضعگیری در برابر دیگری، در پی اثبات این واقعیت برآمد که ملت کورد دارای مطالبه‌ای ملی و پتانسیلی در حال گسترش جهت دستیابی به این مطالبه است. در واقع این اعتصاب، امتداد فرهنگ نهادینه شده مردم کوردستان بود که در مناسبتهای مختلف و برای موضوعات متفاوت به منصفه ظهور رسانده است.

حساسیت مردم کوردستان به مسائل عمومی جامعه و سازماندهی خودجوش متکی به زمینه مبارزاتی ملت کورد، بویژه در سالهای گذشته تأثیر عمیقی بر توسعه سیاسی و ملی کوردها گذاشته است. حوادث طبیعی اسفبار استانهای جنوبی شرق کوردستان، موج گسترده‌ای از همبستگی و همکاری بدنبال داشت که در نوع خود کم نظیر بود. چنانچه این بسیج عمومی برای همیاری و همدردی مناطق مختلف کوردستان با قربانیان سیل و زلزله، از ابعادی انسانی و ملی برخوردار بود، بدون تردید حماسه ۲۱ شهریور از ابعاد انسانی، ملی و سیاسی برخوردار بود. حمایت از حزب دمکرات و جنبش سیاسی– ملی کورد، از بارزترین پیامهای اعتصاب بود. جمهوری اسلامی با حمله موشکی به قلعه دمکرات و به شهادت رساندن رهبران و کارد و پیشمرگان حزب دموکرات به دنبال محدود کردن میدان مانور حزب دموکرات بود که تنها پس از گذشت ۴ روز از این جنایت غیرانسانی، خود را در مقابل جبهه‌ای به وسعت کوردستان یافت که یارای هیچ واکنشی غیر از تعجب و نگرانی در مواجهه با آن نبود. هزینه حمله موشکی به حزب دمکرات، از دست دادن شماری از وفادارترین و ارزشمندترین فرزندان حزب بود، در صورتی که هزینه این حمله برای جمهوری اسلامی بسیار گسترده‌تر و دردناکتر بود و پیامد آن رسوایی رژیم بود که سالها ادعای منحلّه بودن حزب دموکرات و پایان مطالبات ملی کوردها در ایران را میکرد. برنده واقعی حوادث ۱۷ و ۲۱ شهریور حزب دموکرات و ملت کرد بودند و آنچه این حملات برای سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی به ارمغان آورد رسواییشان در داخل ایران و البته در جامعه بین الملل بود.

ویـستـگه

تأثیر وحدت حزب دموکرات

بر مسئله زنان

هیمو

پس از سال ۱۳۸۵ خورشیدی که حزب دموکرات دچار جدایی در صفوف خود گشت، دو حزب با دو نام جداگانه به مبارزه خود علیه رژیم اسلامی ادامه دادند و خوشبختانه اکنون پس از نزدیک به ۱۶ سال این جدایی در صفوف حزب به پایان رسید و دوباره با یک نام و در قامت یک حزب به مبارزه خود ادامه خواهند داد. موضوع زنان همواره یکی از مهم‌ترین مسائل دو طرف بوده و هر دو بخش حزب دموکرات توجه ویژه به آن داشته‌اند.

حزب دموکرات به عنوان یک حزب مدرن و صاحب جایگاه ویژه در شرق کوردستان همواره خود را در برابر مسائل مختلف جامعه و همچنین طبقات و اقشاری که این جغرافیا را تشکیل می‌دهند خودرا پاسخگو و مسئول دانسته است و این موضوع در واقع مبتنی بر این واقعیت است که حزب دموکرات، حزبییست که قدرتش نشأت گرفته از مردم شرق کوردستان و خواسته‌های آنهاست.

ممکن نیست یک حزب از یک جامعه خاص و توده‌های آن سرچشمه بگیرد، اما اهمیتی برای خواسته‌ها و نیازهای آنان قائل نباشد و همین واقعیت است که حزب دموکرات را تبدیل به محبوب‌ترین حزب در میان ملت کورد در شرق کوردستان کرده‌است. از این منظر حزب دموکرات در طول ۱۶ سال تلاش بی‌وقفه خود در راستای تحقق آزادی برای مردم کوردستان به ویژه طبقه زنان از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. از جمهوری کوردستان تا به امروز که حزب دموکرات به مبارزه ملی خود ادامه می‌دهد، زنان توانسته‌اند بهترین نقش و مهم‌ترین وظیفه را ایفا کنند و اغلب دیده‌ایم که نه تنها پایه‌پای مردان، بلکه بسیار قوی‌تر و جسورانه‌تر، مسئولیت رهبری این جنبش را برعهده داشته، قربانی داده‌اند، رنج دوری، غریبی و تنهایی را با تمام وجود چشیده‌اند، اما رسیدن به هدف مقدس‌شان، تبدیل به مهمترین داشته برای ادامه مبارزاتشان گشته است.

اکنون که ۷۷ سال از تأسیس حزب دموکرات می‌گذرد و صفوف این حزب متحدتر از همیشه است و برنامه آینده این حزب نیز بر ادامه جنبش خود و مبارزه جدی‌تر با رژیم اسلامی ایران استوار گشته است، نباید فراموش کنیم که زنان چگونه می‌توانند نقش مثبت و مؤثری در موفقیت مبارزه با اشغالگران داشته باشند.

اهمیت دادن حزب دموکرات به زنان، مانند نیمی از جامعه کوردستان و همچنین مسائل مربوط به زنان ممکن است در برخی زمینه‌ها جای انتقاد و ریزیبنی بیشتر باشد، اما قطعا نقاط مثبت و محکمی وجود دارد که در حقیقت تلاش‌ها و گام‌های خوشبینانه‌ای برای پیشبرد مسائل زنان است.

زنان در این چارچوب سیاسی، جدا از اینکه امکان خودیابی را دارند، مدام تشویق شده‌اند که مسئولیت‌ها و وظایف مهم را بر عهده بگیرند، حمایت شده‌اند تا گام های مثبتی در راستای رسیدن به اهداف خود به عنوان جامعه زنان و اهداف بزرگتری همانند دورنمای آزادی ملتشان‌شان بردارند و به شیوه‌ی عملی اهمیت خود را دریابند، که این واقعیت به وضوح در میزان مشارکت زنان در سطح رهبری حزب دموکرات و به طور کلی در سازماندهی حزبی دیده می‌شود. این وجود و مبارزه دقیقا نقطه مقابل تعریف رژیم جمهوری اسلامی از جنبش انقلابی کوردستان و مشارکت زنان در آن است که در تمام این سال‌ها تلاش کرده‌اند تضعیفش کنند و با سرکوب قدرت زنان، جامعه را به سرایشی ناخوشایندی هدایت کنند.

در واقع مسئله اتحاد دو بخش حزب دموکرات اگرچه خیر بسیار بدی برای رژیم جمهوری اسلامی است و به طور کلی منجر به سرخوردگی رژیم از اهداف خود گشته‌است، بالعکس و بدون شک برای طبقه زنان جای بسی امید و دلخوشی شده است.

اتحاد فرصت جدیدی برای زنانی است که در چارچوب این حزب، آستین همت را بالا زده‌اند و علاوه بر تلاش برای تضمین حقوق خود، بر سرنوشت و آینده سیاسی وطنشان هم تأثیر خواهند داشت.

زنان در حزب دموکرات در صف اول مبارزه قرار دارند و با بهره‌گیری از قدرت، توانایی و مهارت‌های خود در چارچوب این حزب می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند.

برنامه حزب دموکرات و دورنمایی که برای بازسازی میهنمان کوردستان در این حزب تعریف شده است، نیازمند قدرت، پتانسیل و توانایی تمام مردم کوردستان از جمله زنانی است که سخت‌ترین وظیفه را بر دوش دارند، چرا که برخلاف همه اقشار دیگر جامعه کوردستان، در همان حال وظایف بسیار دیگری نیز دارند که باید برای انجام آن‌ها هم دو چندان تلاش کنند، بنابراین زنان به ویژه کسانی که در صفوف جنبش قرار دارند، باید احساس مسئولیت و رهبری بیشتری کنند و اتحاد مجدد صفوف حزب را تبدیل به فرصتی جدید برای تجدید حیات و رسیدن به هدف بزرگ گردانند.



رضا دانشجو

هیچ ، واقعا هیچ!

اینک حزب دمکرات

کوردستان ایران درحالی هفتادوهفتمین سالگرد تاسیس خود را جشن می‌گیرد که با اتحاد مجدد دو بخش خود بعد از ۱۶ سال ، مسیر جدیدی از مبارزه با جمهوری اسلامی را آغاز کرده است. اتحادی که نوید بخش اپوزیسیونی کارا بر ضد رژیم ولایت نه فقط درپهنه کوردستان بلکه درگسترده ایران است

پس اینک بر می‌خیزم و کلاه از سر برمیدارم
به افتخار حزب دمکرات و بیش از هفت دهه حیات
سیاسی پرشکوه و مبارزه بی وقفه علیه حاکمان جور
و رژیم‌های دیکتاتور، اینک بر می‌خیزم و کلاه از سر
بر می‌دارم به افتخار قلعه تسخیرناپذیر دموکرات که
زیر بار همه فشارها و حملات خم به ابرو نیامود و
هر بار استوارتر از گذشته به مبارزاتش ادامه داد.

برمی خیزیم وکلاه ازسربرمی داریم به افتخار حزب دموکرات و قلعه سربلندش که با تقدیم هزاران شهید درطول سالیان مبارزه بی امان، هرگز درمقابل ظالم تسلیم نشد و سرتعظیم فرود نیاورد، جان داد اما حاضر نشد هرگز در برابر شاه و شیخ سرخم کند. برمی خیزیم و کلاه از سر برمی داریم به افتخار حزب دمکرات و قلعه تسخیرناپذیرش که در همه دوران حیات سیاسی اش در زیر شدیدترین فشارها، هرگز پیاده نظام و همراه هیچ حکومت اشغالگری نشد، رنج آوارگی دید اما حاضر نشد شرافت سیاسی اش را به معامله بگذارد؛ همیشه رفیق بود و همراه، هرچند نارفتی و بی مرامی بسیار دید. اینک برمی خیزیم وکلاه ازسر برمی داریم به افتخار حزب دمکرات و قلعه مقاومت، که در طول حیاتش علیرغم همه اتفاقات ناخوشایند و انشعاب ناخواسته هرگز دیالوگ و زبان گفتگو را فراموش نکرد و به دموکرات و دموکراسی پایبند ماند؛ تلخی جدایی برادر را دید اما از همان فردای جدایی، برای دوباره کنار هم بودن اشک ریخت. برمی خیزیم و کلاه از سر بر می داریم به افتخار دموکرات و قلعه دلها که شاهد پرکشیدن تعدادی از عزیزترین فرزندانش بود اما هرگز رخت عزا نپوشید ؛ دوباره بلند شد و از دردهایش نوایی دوباره ساز کرد؛ نوایی که پژواک صدایش گوش هراشغالگری را از آزار می دهد: «تا زمانی که کوهها هستند ما هم هستیم».



علی بداغی

صفوف دموکرات، این حزب محبوب کوردستان ایران دوباره متحد شود، دستاوردهایشان بیشتر و مبارزاتشان زودتر به نتیجه خواهد رسید.

سهیلای خوشبین بر این تأکید داشت که پایه‌های اتحاد و وحدت دموکرات باید چنان محکم و استوار بنا شده که دیگر این اعتماد مردمی هیچگاه و تحت هیچ شرایطی ترک برداشته و بازگشت به عقب ممکن نباشد. برای این مهم زخم‌ها باید التیام یابند، اشتباهات و ناسای‌ها در مناسبات پیشین که منجر به انشقاق گشت جبران شوند و این نه تنها خواسته و پیام شهید سهیلا قادری، بلکه آرزوی تمام شهدای بمباران موشکی ۱۷ شهریور و راسان، و نیز زنده‌یادان جلیل گادانی، چکو رحیمی، لقمان بهفر، انور سلطان‌پناه و تمامی رهبران، کادر و پیشمرگان و اعضای وحدت‌طلب حزب دموکرات بودند است که اینک در بین ما نیستند؛ اما همیشه با نگاه‌های پر بیم و امید به ما می‌نگرد تا به خوبی از این امانتی که دسترس مبارزه و فداکاری آنان است، محافظت کنیم.

سهیل کوردها باز بر آمده و در آسمان پرستاره‌ی مبارزات ملت کورد به‌سان خورشیدی می‌درخشد، خورشیدی که تنها امید این ملت برای تحقق آرزوهایش بوده و پایان‌بخش ظلمت تاریکی و بیدادی و محرومیت ملت کورد در کوردستان ایران می‌باشد.

هستند که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده کشف شده‌اند، مطمئناً دامنه فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از این است.

برای دموکرات و قلعه تسخیرناپذیرش

خبرنگار شبکه تلویزیونی روودا از کاک مصطفی هجری مسئول هیئت رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران می‌پرسد: بعد از اتحاد مجدد حزب، آیا شما نمی‌ترسید که اقدامات درویشی جمهوری اسلامی علیه شما افزایش یابد؟ کاک مصطفی هجری بعد از سکوت کوتاهی پاسخ می‌دهد: مگر کاری هم مانده که جمهوری اسلامی علیه ما انجام ندهد.

اما واقعا جمهوری اسلامی چه اقدامی مانده تا علیه حزب دمکرات انجام ندهد؛ از زمانی که در پاسخ به نامه زنده‌یاد دکتر قاسملو تلاش او برای برقراری دیالوگ با جمهوری اسلامی و یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مشکل کوردها در ایران، مزدوران جمهوری اسلامی به شهرهای کردستان لشکرکشی کردند و هزاران نفر را کشته و بی‌خانمان کردند تا همین امروز «پوتین‌هایشان را در نیاوردند» و برای حمله به مردم کرد و حزب دمکرات در آماده‌باش هستند.

بعد از حمله نظامی و جنگ نابرابر با مردم کورد،
 موقتی حزب دمکرات به ناچار و برای محافظت از
 مردم، کوهها را برای ادامه مبارزه برگزید تا کوچ
 اجباری به اقلیم کوردستان، همیشه و همگانه حزب
 دمکرات در معرض عملیات تروریستی جمهوری
 اسلامی بوده و هست. از ترور ناچوانمردانه
 دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی تا ترور دهها فرمانده
 حقیقی اعضای عادی حزب در سراسر جهان، از چندین
 مرحله تجاوز و لشکرکشی نظامی به منزل اشغال
 کمپ حزب دمکرات تا موشکیاران مقر حزب، از دهها
 مورد بمبگذاری تا ارسال جاسوس و خبرچین به
 مقر حزب، از توپباران روستاها و حتی کوههای
 کوردستان تا فشار بر روستاییان و ساکنین به منظور
 عدم همکاری با حزب، از رایزنی و عقد پیمانهای
 امنیتی با حکومت عراق و ترکیه تا فشار بر احزاب
 اقلیم کوردستان به منظور ایجاد فضایی ناامن برای
 حزب دمکرات و... فقط بخشی از اقدامات جمهوری
 اسلامی علیه حزب دمکرات برای به زانو درآوردن و
 وادار کردن دمکرات کوردستان ایران به تسلیم
 بوده است. اما دستاورد جمهوری اسلامی از اینهمه
 فشار سیاسی، ترور، بمب گذاری، تجاوز و حمله نظامی
 چه بوده است؟

در بروکلین نیویورک پرسه می‌زد دستگیر شده است. منابع و اسناد اتهامی پلیس فدرال آمریکا نشان می‌دهد که خالد مهدی اف، ۲۲ ساله، با اسلحه تهاجمی کلاشینکف، و بیش از هزار دلار پول نقد، دستگیر شد. این اسلحه ظرفیت بالایی برای درگیری مسلحانه دارد. این اسلحه گزارش‌ها، خالد مهدی‌اف، تبعه جمهوری آذربایجان است و پیشتر عضو تیم ملی جودوی این کشور بوده است.

سوقصد به جان سلمان رشدی: تروریست متهم به ترور سلمان رشدی با حضور دادگاه اعلام کرد که «بی‌گناه» است و اتهام قتل را نپذیرفت. او با حکم دادگاه بدون قرار وثیقه رد بازداشت خواهد ماند. هادی مطهر ۲۶ ساله، متهم است که به روی صحنه دیده و حداقل ۱۰ ضربه چاقو به صورت، گردن و شکم آقای رشدی زده است. شبکه آمریکایی «ان‌بی‌سی نیوز» گزارش داد بررسی محتوای حساب‌های کاربری هادی مطهر در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که او از هواداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. هنوز روشن نیست که او به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با سپاه در تماس بوده یا نه.

تلاش برای ترور برخی ازمقامات سیاسی سابق آمریکا: وزارت دادگستری آمریکا روز چهارشنبه اعلام کرد که یک عضو سپاه پاسداران ایران به تلاش برای ترور جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ متهم شده است. بنا به اعلام این وزارتخانه شهرام پورصفی معروف به مهدی رضایی، ۴۵ ساله با طرح پیشنهاد پرداخت ۳۰۰ هزار دلار به فرد یا افرادی که جان بولتون را به قتل برسانند به دنبال اجرای طرح ترور او بود. مقامات آمریکایی از طرف فردی که از شهرام پورصفی او را مامور ترورجان بولتون کرده بود در جریان این توطئه قرار گرفتند. هویت این فرد فاش نشده است. از انتقام‌گیری بابت حمله آمریکا به کاروان قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین سپاه قدس ایران به عنوان انگیزه احتمالی برای طرح ترور جان‌بولتون یاد شده است. قاسم سلیمانی دراین حمله که ماه ژانویه سال ۲۰۲۰ به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در بغداد، پایتخت عراق صورت گرفت کشته شد.

اینها فقط بخشی از فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی، هزاران کیلومتر آن طرف تر در قلب ایالات متحده آمریکا، بزرگترین قدرت سیاسی نظامی جهان با آن دستگاه عریض و طویل اطلاعاتی اش می باشد. بدیهی است اینها صرفا آن دسته از اقدامات تروریستی

طلوع سہیل

(تقدیم به یاد و خاطره‌ی شهید سهیلا قادری و سایر سفرکردگان وحدت‌طلب حزب دموکرات)

اندوه بزرگ سهیلا انشعاب و تشتت نیرو و به تبع آن تاثیر منفی چنین رویدادی بر پتانسل مبارزاتی احزاب سیاسی کوردستان، به خصوص حزب خودش، حزب دموکرات بود. وی نیک می دانست که در جریان دودستگی فرصت ها از گف رفته، پیام و خواسته ها به جایی نرسیده و کسب دستاوردها نیز کم و حتی دور از دسترس می باشد. وی در حالیکه خود عضو رهبری حزبش بود، بحق در این باورد بود که انشعاب و جداسازی سنگر حلال مشکلات و کشمکش های داخلی و تشکیلاتی حزب حل نبوده و نخواهد بود. بلکه این مهم با سعی صدر، شکیبایی، انتقادپذیری، بازنگری و تغییر در فرهنگ حزبی و مکانیزم اجرایی ممکن بوده و این مسئولیت پذیری همگان با مد نظر قرار دادن خطوط کلی منافع کلیدی و خطوط قرمز هر حزبی است که می تواند آن سازمانی را سر پا نگه دارد.

اذعان به این موضوع و احساس تکلف و مسئولیت در قبال چنین وضعیت موجودی و تلاش برای تغییر این شرایط هم از خصائص والای شهید سهیلا بود و هم بخش مهمی از پیام وی. سهیلا بر این باور نبود در جریان انشعاب یک طرف فرشته و دیگر طرف اهریمن است. وی اعتقاد راسخ داشت که پیش شرط اتحاد مجدد صفوف حزب دموکرات، اذعان و اعتراف به نقش‌پذیری درخصوص انشعاب و سپس ابراز شجاعت و گام نهادن عملی بمنظور یکی شدن و بازگرداندن شکوه

ترور و تروریسم واژه‌های هستند که با موجودیت حکومت جمهوری اسلامی گره خورده‌اند و همیشه ابزاری بی‌بديل در دست رژیم جنایتکار آخوندی بوده‌اند، سابقه ترور و تروریسم در مکتب فکری پیروان حکومت ولایت فقیه حتی به قبل از استقرار جمهوری اسلامی و دوره پهلوی برمی‌گردد. این را می‌توان به صراحت درخطرات مسخران جمهوری اسلامی از جمله هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و ... دید. گذر زمان نشان داد در حکومتی که دیالوگ و گفتگو و توجه به افکار مخالف هیچ جایگاهی ندارد، تنها ابزار برای ماندن درحکومت، سرکوب، اعدام و ترور است. درمسیر چهل و چند ساله حکومت ولایت فقیه، رژیم هر روز شکل جدیدی از ترور را در جهان به نمایش گذاشت، از اعزام صدها تروریست به سراسر جهان تا ایجاد دهها گروه تروریستی نیابتی بخشی از پلان توسعه شبکه تروریسم جمهوری اسلامی است. شبکه‌ای که حالا مرزهای جغرافیایی را یکی پس از دیگری درنوردیده و به هزاران کیلومتر آن طرف‌تر به خاک ایالات متحده آمریکا رسیده است. انصافاً جمهوری اسلامی در هر چیزی ناموفق بوده باشد در توسعه و گسترش شبکه آدمکشی و ترور و صدور تروریسم در جهان بی‌نظیر عمل کرده است! کافی است نگاهی کوتاه ببیندازیم به برخی از خبرهای چند ماه اخیر خبرگزاریهای جهان در مورد اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خاک ایالات متحده آمریکا تا اهمیت ترور و تروریسم در جمهوری اسلامی را بهتر بشناسیم.

تلاش برای ربودن یک روزنامه‌نگار: وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد دستگاه اطلاعاتی ایران تلاش کرده است یک روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر را از نیویورک رباید. نام این روزنامه‌نگار در بیانیه وزارت دادگستری آمریکا اعلام نشده است، اما مسیح علیزاد در گفت‌وگو با رادیو فردا تأیید کرد که هدف او از این تلاش آدم‌ربایی بوده است. یک دادگاه فدرال آمریکا در نیویورک چهار شهروند ایرانی را به توطئه برای ربودن این روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر نقض تحریم‌ها، مسیح علی‌ابهرداری بانکی و پولشویی متهم کرد. مسیح علیزاد ساعاتی پس از انتشار این خبر در پیامی توئیتری از تلاش پلیس فدرال آمریکا (اف.بی.ای) برای خنثی کردن توطئه ربودنش تشکر کرده است.

تلاش برای ترور همان روزنامه نگار: براساس گزارش پلیس فدرال آمریکا (اف.بی.آی) یک مرد مسلح با اسلحه کلشینکف که بیرون از خانه مسیح علی‌نژاد

قبل از خدا حافظی



دو هفته از اتحاد مجدد حزب دموکرات کوردستان ایران گذشت، اتفاقی بسی شیرین. دو روز دیگر نیز چهارمین سالروز فاجعه‌ی ۱۷ شهریورماه فر می‌رسد، رویدادی تلخ و جانکاه. سهیلا قادری یکی از شهدای حمله‌ی موشکی سپاه پاسداران به قلعه‌ی دموکرات و از پیشگامان کاروانی بود که نه تنها خواستار وحدت دو جریان دموکرات بود، بلکه در عمل هم با تمام وجود بدین منظور در تکاپو بود. مشارکت فعال شهید سهیلا در کمپین ۱ دیماه که ۷ سال پیش که در یخبندان روابط طرفین دموکرات به‌مراه طیفی از نخبگان و فعالان سیاسی کورد و به هدف شدت بخشیدن به جریان وحدت دوباره‌ی حزب دموکرات به‌راه انداخته بودند؛ مصداقی بارز برای این گفته است که اتحاد مجدد و تحقق وحدت صفوف حزب دموکرات غایت آرزوی رهبران شهیدمان، منجمله شهید گرانقدر سهیلا قادری بود. چند روز پیش فرصتی پیش آمد تا باری دیگر به مجموعه ویدیوهای کمپین نامبرده سری بزنم. تصادفی نیست که محتوای سخنان شهید سهیلا قادری در پیامی ویدیویی که کمپین منتشر کرده بود، با جوهر بیانی‌هی مشترک اتحاد مجدد دموکرات‌ها انطباق کاملی دارد. به این دلیل که این از روح همگرای ملی و درک عمیق سهیلا از جایگاه واقعی حزب دموکرات در جنبش سیاسی کورد و محبوبیت این حزب در بطن جامعه‌ی کوردستان نشأت می‌گیرد.